

سلسله مباحث مهدویت

منجی از دیدگاه ادیان



علی اصغر رضوانی



بسم الله الرحمن الرحیم

منجی از دیدگاه ادیان

نویسنده:

علی اصغر رضوانی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

منجی از دیدگاه ادیان

مشخصات کتاب

سرشناسه : رضوانی علی اصغر، - ۱۳۴۳

عنوان و نام پدیدآور : منجی از دیدگاه ادیان / تالیف علی اصغر رضوانی

مشخصات نشر : قم مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۷

مشخصات ظاهری : ۶۶ ص

فروست : سلسله مباحث مهدویت.

شابک : ۶۵۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۳-۰۲۵-۷ : ؛ ۵۰۰۰ ریال (چاپ دوم)

وضعیت فهرست نویسی : فاپا (چاپ پنجم)

یادداشت : چاپ دوم: زمستان ۱۳۸۵.

یادداشت : چاپ پنجم.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم ۲۵۵ق -

موضوع : موعود گرایی

موضوع : مهدویت-- پیشگویی ها

موضوع : عیسی مسیح در قرآن

شناسه افزوده : مسجد جمکران (قم)

رده بندی کنگره : BP۲۲۴/۴/ر۵۵م ۸ ۱۳۸۷

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی : م ۸۵-۱۸۳۲۵

اشاره

مقدمه ناشر

در عصر کنونی که دشمنان بشریت، افکار و عقاید انحرافی را در جامعه جهانی ترویج می کنند و منجی موعود واقعی را برای حیات و قدرت پوشالی و کاخ عنکبوتی خود خطرناك می دانند، درصدد ایجاد انحراف فرهنگی برآمده اند و با پوچ گرایی، جامعه بشری و اخلاق و رفتار نیکو را مورد تعرض قرار داده اند، برآن شدیم تا حقیقت مهدویت را با سلسله مباحث مختصر منجی موعود برای مشتاقان علم و فضیلت عرضه نماییم.

امید است مورد توجّه حضرت حقّ جلّ و علا قرار گیرد.

مدیر مسؤول انتشارات مسجد مقدّس جمکران حسین احمدی

ص:۷

پیشگفتار

اعتقـاد به منجی بزرگ جهـانی که زود است ظهور کرده و عـدل و داد را در سرتاسـر گیتی منتشـر سازد و اهـداف تمام انبیای الهی را پیاده کنـد، عقیده ای است و فراگیر که تمام ملت ها و صاحبان ادیان آسـمانی و شـبه دینی و غالب گروه ها و جمعیت ها آن را قبول دارند، از باب نمونه:

۱ – یهود ایمان دارد که عزیر پیامبر یا منحاس بن عازربن هارون ظهور خواهدکرد.

۲ – مسیحیان معتقد به بازگشت حضرت عیسی علیه السلام هستند.

۳ – زردشتیان می گویند: بهرام شاه باز می گردد و لذا به انتظار او نشسته اند.

۴ – هندوها معتقد به بازگشت فیشنوا شده اند.

۵ – بودایی ها می گویند که دوباره بودا بازمی گردد.

همان گونه که این عقیده در مصر قدیم و نزد مغولان و چینی ها نیز رایج بوده است.(۱)

ایرانیان باستان نیز معتقد بودند که مردی شجاع از آنان به نام «گرزاسپه» زنده است و در کمال سلامتی به حیات خود ادامه می دهد و صد هزار ملك او را حفظ می کند تا قبل از قیامت برای اصلاح عالم ظهور نماید. و برخی از

۱– ۱. الامامه و قیام القیامه، ص ۲۷۰ – ۲۷۱، العقیده و الشریعه فی الاسلام ص ۱۹۲.

ایرانیان نیز معتقد بودند که «کیخسرو» بعد از تنظیم امور مملکت و استحکام ارکان دولت، حکومت را به فرزندش تفویض نمود و خودش به غاری پناه برد و در آن آرمید تا هنگامی که ظهور کرده و کافران را در عالم هلاک سازد.

همان گونه که طائفه ای از پرتغالی ها معتقدند که حاکمی از حاکمانشان به نام «سَبَستیانوس» که الآن از چشمان همه غائب است در آخرالزمان خروج کرده و جمیع عالم را مسخّر خود خواهد کرد، و در آن هنگام در عالم دین واحد و رهبری واحد خواهد بود.(۱)

ترسیم خطوط کلّی روز موعود قبل از اسلام

مقصود ما در این فصل ترسیم خطوط کلی موجود قبل از عصر اسلام برای روز موعود است. به این معنا، بشریت از زمانی که پا به عرصه فرهنگ و شعور و درک گذاشت چگونه با این عقیده و فکر یعنی اعتقاد به ظهور منجی انس گرفت.

با تأمّلی در خلقت انسان و بشریت پی می بریم که بازگشت ترسیم خطوط الهی برای روز موعود به شروع خلقت است؛ زیرا روز موعود هدف و غرض خلقت به حساب آمده است. یعنی هدف از خلقت آن است که عموم بشریت به کمال مطلوب خود در سطح گسترده برسد. ولی بشر در ابتدای امرش دو شرط از شرایط اصلی این هدف و به تعبیری دیگر تطبیق عدل کامل به معنای گسترده آن را نداشته است: یکی شناخت حقیقی مفهوم کامل عدل و دیگری آمادگی برای فداکاری در راه پیاده کردن آن بعد از شناخت کامل.

۱- ۲. او خواهدآمد، ص ۱۱۱ - ۱۱۳.

انبیای الهی در طول تاریخ بشریّت درصدد برآمدند تا مردم را به این دو امر رسانده و به آن آگاه سازند. یعنی هم در ناحیه نظری، سطح فرهنگ و فکر آنان را بالا ببرند تا عدل کامل را درک نمایند و هم از ناحیه عملی، سیر بشر همراه با تعلیمات انبیا، مردم را آماده فداکاری برای پیاده کردن اهداف آنان نماید.

انبیای الهی در ضمن انجام وظیفه خود در این دو مورد، مردم را به هدف اساسی از خلقت که در روز موعود تحقق پیدا می کند گوشزد کرده اند. لذا قرآن کریم می فرماید: « وَ لَقَدْ كَتَبْنا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُها عِبادِيَ الصّالِحُونَ»؛(۱) «در «زبور» بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: «بندگان شایسته ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد!»

و نیز می فرماید: « وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوارِثِينَ»؛(۲) «ما می خواهیم بر مستضعفان زمین منّت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم!»

و نیز می فرماید: « هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»؛(۳) «او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه آیین ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند!»

انبیای الهی گرچه سعی بلیغ برای تحقق این دو شرط اساسی به جهت نزدیک شدن به هدف نمودند ولی به جهت بلندی و ارزش هدف و پایین

بودن

ص:۱۱

۱- ۳. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

۲- ۴. سوره القصص، آیه ۵.

۳- ۵. سوره توبه، آیه ۳۳.

سطح فکری مردم عصر خود نتوانستند مردم را نسبت در آن دو امر به فعلیّت برسانند.

در مورد امر اول مشاهده می کنیم که چون مردم معنای صحیح عدل کلّی را نمی فهمیدند لذا انبیاء طرحی جامع برای پیاده شدن آن از خود به جای نگذاشته اند. و بدین جهت، هدف انبیای الهی قبل از حضرت موسی علیه السلام تنها نهادینه کردن اصل این عقیده بوده و چندان تعالیم عملی و شرعی از خود به جای نگذاشته اند. آری، از زمان حضرت موسی علیه السلام شروع تبیین و توضیح شرایع تفصیلی است که اوج آن در شریعت اسلامی محمّدی صلی الله علیه وآله است تا سطح فکر بشر را بالا برده و شرط اساسی اول را بفهمند.

در تأیید این مطلب مشاهده می کنیم که شرایع قبل از اسلام عموماً یا غالباً شرایع اقلیمی و قومی بوده است برخلاف دین اسلام که برای عموم بشر فرستاده شده است.

در مورد شرط دوم نیز ملاحظه می کنیم که بشریت تاکنون اعلام آمادگی برای پیاده شدن حکومت عدل جهانی را از خود نشان نداده اند، همان گونه که از عملکرد و پرونده بشریت در طول تاریخ استفاده می شود.

حضرت نوح ۹۵۰ سال قوم خود را به ایمان و عمل صالح دعوت کرد ولی به جز افراد اندکی به او ایمان نیاوردند. خداوند سبحان در این باره از قول حضرت نوح علیه السلام می فرماید: « رَبِّ إِنِّی دَعَوْتُ قَوْمِی لَیْلاً وَ نَهاراً* فَلَمْ یَزِدْهُمْ دُعائِی إِلاَّ فِراراً وَ إِنِّی کُلَّما دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصابِعَهُمْ فِی

آذانِهِمْ وَاسْتَغْشَوْا ثِیابَهُمْ وَ أَصَرُّوا وَاسْتَکْبَرُوا اسْتِکْباراً»؛(۱) «پروردگارا! من قوم خود را شب و روز (به سوی تو) دعوت کردم. اما دعوت من چیزی جز فرار از حق بر آنان نیفزود. و من هر زمان آن ها را دعوت کردم که (ایمان بیاورند) تا آن ها را بیامرزی،، انگشتان خویش را در گوش هایشان قرار داده و لباس هایشان را بر خود پیچیدند و در مخالفت اصرار ورزیدند و به شدت استکبار کردند».

حضرت ابراهیم علیه السلام بعد از دعوت مردم به توحید و مجاهدات فراوان در این راه در آخر، قوم او جمع شده و او را در آتش افکندند.

قوم حضرت موسی علیه السلام با آن همه مجاهدات که حضرت برای هدایت آن ها به خرج داد بعد از آنکه از آنان خواست که به فلسطین رفته و با فداکاری بر دشمن غلبه کنند به حضرت عرض کردند: « فَاذْهَبْ أَنْتَ وَ رَبُّکَ فَقاتِلا إِنّا هاهُنا قاعِدُونَ»(۲)؛ «تو و پروردگارت بروید و (با آنان) بجنگید، ما همین جا نشسته ایم».

از اینجا چنین نتیجه می گیریم که قبل از اسلام، کوشش فراوانی در راه نزدیک شدن اهداف خلقت و حکومت عدل جهانی شد ولی این کوشش به سرانجام نرسید ولی با اسلام ادامه پیدا کرد.

ص:۱۳

۱- ۶. سوره نوح، آیه ۵ - ۷.

۲- ۷. مائده / ۲۴.

منجی در آیین زردشت

اندیشه رسیدن به پیروزی نهایی و وصول به جهانی که در آن مرادهای آدمی برآورده شود و بر همه خواسته هایش پیروز گردد نزد زردشتیان و تعلیمات دینی آن ها به وفور دیده می شود. پیروان «هرمزد» با اعتقاد به نیروی لایزال او، پیوسته در تلاش و جست و جوی نجات بخشی هستند که آرزوی آنان را برآورد و پرهیزکاران را به نعمت جاودانی و کافران را به رنجی جانکاه و مداوم دچار سازد. اینک به گزیده ای از تعلیمات زردشتیان در این باره اشاره می کنیم.

اشاره به اصل نجات بخشی

در یکی از کتاب های مقدس آن ها می خوانیم: «زندگان و آن هایی که بوده اند و خواهند بود نجاتی خواهند جست که از سوی او می آید، آن که امید می دهد که روان پرهیزکاران در بی مرگی نیرومند بود و آن دروندان در رنج جاودان. این ها را مزدا اهورا به شهر یاری (= نیروی) (خویش) آفرید».(۱)

باز می خوانیم: «کسی که در این راه با دیوان و مردمان که به نوبه خود با او (= زردشت) مخالفت می کنند، ستیز کرده است. یعنی از آن مردمی است که به او (=زردشت)وفا دارند. چنین کسی با دینش (= وجدانش) تو را دوست، برادر یا پدر است. اهورا مزدا سرور خانه ما را نجات خواهد داد».(۲)

و نیز در یکی از کتاب های دیگر آنان آمده است: «... از این جهت

۱- ۸. یسن / ۴۵، ب ۷.

۲- ۹. یسن / ۴۵، ب ۱۱.

سوشیانس (نامیده خواهدشد) زیرا که سراسر جهان مادّی را سود خواهد داد».(۱)

و نیز در جای دیگر می خوانیم: «ای مزدا! چه هنگام گاوهای آسمان برای برقراری جهان راستی طلوع خواهندکرد؟ هدف های سوشیانس ها با آموزش های کامل تو هماهنگ است. به سوی که برای یاری دادن اندیشه نیک باید رفت؟ به سوی من».(۲)

در کتاب «زند» بعد از ذکر مقابله و مبارزه همیشگی ایزدان و اهریمنان آمده است:«در آن هنگام فتح، و پیروزی و نصرت ایزدان و منقرض شدن نسل اهریمنان، عالم به سعادت اصلی خود می رسد، و فرزندان آدم بر صندلی سعادت و برکت خواهند نشست».(۳)

از برخی عبارات «جاماسب» در کتاب «جاماسب نامه» به نقل از زردشت استفاده می شود که او اشاره به خروج حضرت مهدی علیه السلام در آخرالزمان کرده است.او از «زردشت» چنین نقل می کند: «خروج می کند مردی از سرزمین تازیان از ذریّه هاشم، مردی با سری بزرگ، جسمی عظیم، ساقی بلند، بر دین جدّش، همراه با لشکری بسیار به ایران روی می آورد و زمین را آباد می کند و نیز آن را پر از عدل و داد خواهدکرد».(۴)

در همان کتاب بعد از بشارت به نبوّت رسول اکرم صلی الله علیه وآله آمده است:«و از ذریّه

۱- ۱۰. بخشی از بند ۱۳۹، فروردین یشت.

۲- ۱۱. یسن ، ۴۶، ب ۳.

۳- ۱۲. بشارت العهدین، ص ۲۳۷ - ۲۳۸، به نقل از او.

۴- ۱۳. بشارت العدین، ص ۲۴۲ - ۲۴۳، به نقل از او.

دختر آن پیامبر که به خورشید عالم و شاه زمان (شاه زنان) معروف است، مردی به حکم یزدان حکومت می کند که او آخرین خلیفه آن پیامبر است.حکومت او در وسط عالم یعنی مکه است. و دولت او تا روز قیامت متصل خواهدشد... در آن هنگام تعداد بسیاری از افراد خوش نفس و انبیاء رجعت خواهندکرد...».(۱)

جهان مطلوب

از خلال اشارات مبهم و کنایه آمیز «اوستا» می توان دریافت که آنان پیوسته برای رسیدن به جهانی مطلوب در کوشش اند و منتظر رسیدن روزی که در آن، همه آرزوهای مشروع برآورده شود و از دشمنی ها و نادرستی ها و فریب ها و نیرنگ ها اثری نباشد. «زردشت» خود برای رسیدن به چنین خواستی می کوشد و از «هرمزد» یاری می طلبد و از او برای نابودی بدان و ناراستان کمک می خواهد.

«سوشیانس ها» که پیروان راستین و برحقّ اویند نیز چنین هدفی را دارند و می خواهند دنیایی بسازند که فساد و تباهی در آن نباشد.

در یکی از کتاب های مقدس آنان می خوانیم:«یاران استوت ارت پیروزمند فراز آیند... خشم خونین سلاح دژفره از پیششان بگریزد، اشه (= راستی)، دروغ بد دژچهر (= بدذات) در خود تاریکی را چیره خواهدشد. خرداد و مرداد گرسنگی و تشنگی زشت را چیره شود. اهریمن ناتوان و بدکار بگریزد».(۲)

ص:۱۶

۱- ۱۴. همان، ص ۲۷۳.

۲- ۱۵. بخشی از بندهای ۹۵ و ۹۶ زامیادیشت.

و نیز می خوانیم: «پس باشد که از آنانی باشیم که جهان را نورانی کنیم ای مزدا! و شما ای اهوره های دیگر که حمایت و راستی را بیاوریم، وقتی که اندیشه ها آنجا یکی شوند.»(۱)

و نیز در جاماسبنامه آمده است: «همانا (سوشیانس) - منجی بزرگ - دینش را در تمام سطح عالم ترویج خواهدکرد، و فقر و تنگدستی را از بین مردم زائل خواهد نمود. و مردم را بر یک عقیده و قول و عمل متفق خواهد کرد».(۲)

اشاره به موعود

در کتاب های مقدس زردشتیان به موعود جهانی اشاره شده است، آنجا که می گوید: «در این سه هزاره هوشیدر و هوشیدرماه و سوشیانس که جدا جدا در سر هر هزاره از ایشان یکی آید و همه کارهای جهان را باز آراید و پیمان شکنان و بت پرستان را در کشور بزند (= بشکند)».(۳)

و نیز می خوانیم: «پس هزاره پنجم هوشیدران بن بود (= آغاز شد). هوشیدر زردشتیان نمودار (دین) و پیامبر راست از (سوی) هرمزد آید چنان که زردشت (دین) آورد او نیز دین آورد و رواج دهد».(۴)

و نیز می خوانیم: «به پایان هزاره (هوشیدر) هوشیدرماه به سی سالگی به همپرسگی هرمزد رسد. خورشید از آن روز بیست شبانه روز به بالست

۱- ۱۶. باب ۹، یسن ۳۰.

۲- ۱۷. جاماسبنامه، ص ۱۲۱ - ۱۲۲.

۳- ۱۸. مینوی خرد، پرسش ۱، باب ۹۵.

۴- ۱۹. بندهش، ص ۱۸۷.

(آسمان) ایستد. هنگامی که آن مرد سی ساله شود همپرسی کند با امشاسپندان (که) فرمانروایان خوب (و) آفریدگان نیک (هستند) مزدا در روز روشن آشکار شود که جهان بی مست و بی کوی و بی کرپ است، یعنی به چیز ایزدان کورو کر نیستند... و پر جان داده شده است یعنی که باران بوده است...».(۱)

و نیز می خوانیم: «بدان هزاره (= هزاره هوشیدرماه)، هوشیدرماه زردشت به پیامبری از (سوی) هرمزد آید، چنانکه زردشت دین آورد و اندر جهان روا کرد».(۲)

و نیز می خوانیم: «و آن گاه سی زمستان از آن دهمین سده سپری نشده، کنیز (ی) به آب نشیند که (نامش) «گواگ پد» است که مادر آن گواگ سوشیانس است که (او) نمودار بردن پتیاره اهریمن است و از دوده ایست و استر است...آن گاه اندر آن آب نشیند که پانزده ساله است... (آن کنیز) نه پیش از آن با مردان خوابید و نه پس از آن گاه که آبستن شد تا زمانی که آن (سوشیانس) بزاد».(۳)

و نیز می خوانیم: «سوشیانس، آخرین آفریده هرمزدی در زمین است. آخرین کسی که به زمین می آید سوشیانس است که جهان را پاک کند».(۴)

در آیین زردشت سه موعود ذکر شده که بر هریک از آن ها اسم

۱- ۲۰. دینکرد سنجانا، ج ۷۰، ف ۸، باب ۲۳.

۲- ۲۱. بندهش، ص ۱۸۸.

۳- ۲۲. دینکرد سنجانا، ج ۲، ف ۹، ب ۱۵ - ۱۹.

۴- ۲۳. پتیت ایرانی، باب ۲۲.

«سوشیانت» اطلاق شده است. هر سه نفر گرچه به عنوان موعود مطرح شده اند ولی آن چیزی که از اهمیت بیشتری برخوردار است موعود سوم است که به او لقب «سوشیانت پیروز» داده اند. آنان می گویند: «سوشیانت مزدکی به مثابه کریشنای براهمه و بودای پنجم بودایی ها و مسیح یهودی ها و فارقلیط عیسویان و به منزله مهدی نزد مسلمانان است».

زمینه سازان

ظهور هوشیدر همزمان با آغاز هزاره پنجم است. اندکی پیش از این قیام، دو نجات بخش دیگر که هریک نقش ویژه و رسالتی خاص برعهده دارند، قیام می کنند. از متون موجود استنباط می شود که این دو تن زمینه را برای آمدن «هوشیدر» آماده می کنند و نابسامانی ها و آشوب هایی که آرامش مزدیسنان را برهم زده است فرو می نشانند. بررسی موعود در دین زردشتی بدون گفت و گو پیرامون این دو نفر کامل نخواهدبود.

الف – بهرام ورجاوند

درباره او و تولد و رشدو قیامش اشارات نسبتاً کافی در متون زردشتی آمده است. خروج او مژده پایان شب سیاه دین و طلوع سپیده امید گروندگان راستکار و درست پیمانی است که سال ها سرزنش بی دینان را تحمل کردند...او خواهدآمد تا دین زردشت را سامان دهد و آز و نیاز و خشم و کین و کفر را ریشه کن کند و اهریمن و دیوان بدنژاد را سست و زبون گرداند. با آمدن او بار دیگر زندگی بر چهره نیکان لبخند خواهد زد.

ص:۱۹

در یکی از کتاب های مقدس زردشتیان می خوانیم: «... آن هنگام از سوی کابلستان یکی آید که فره بدوست (و) از همان دوده بغان (منظور از بغان، کیانیان است) و (او را) کی بهرام خوانند و همه مردم با او باز شوند (= به او بگروند) و نیز به هندوستان و روم و ترکستان و همه سوی پادشاهی کند و همه وارونه گروشان (= بداعتقادان) را بردارند (= نابود کنند) (و) دین زردشت را سامان دهد...».(۱)

ب - پشیوتن / پشوتن

پشیوتن یا چهرومیان فرزند گشتاسب نجات بخش دیگری است که برای ترویج و استحکام دین مزدیسنی از کنگدر ظهور می کند.

در یکی از کتاب های آنان آمده است: «در همان زمان (= در زمان هوشیدر) پشیوتن گشتاسپان از سوی کنگدژ آید با یکصد و پنجاه مرد پرهیزکار، آن بتکده که رازگاه ایشان (= دیوان) بود بکند (= خراب کند) و به جای آن آتش بهرام نشاند. دین را (به) همه درست بگوید و سامان دهد. پس هزاره پنجم، هزاره هوشیدر آغاز شود».(۲)

قیام پشیوتن، آخرین قیام نیکمردانه ای است که اندکی پیش از هزاره هوشیدر رخ می دهد و هدف او بازسازی دین و برپاداشتن آیین های دینی و گسترش آموزش های آن است.

در جاماسبنامه می خوانیم: «.. تا بعد از آن خدای تعالی رحمت کند و زمان دهد تا پشیوتن از کنگدژ بیاید به یاری ایرانشهر و بدی و گمراهی از جهان

۱- ۲۴. بندهش، ص ۱۸۱.

۲- ۲۵. بندهش، ص ۱۸۷.

برخیزد و دین راستی روا شود و در مدت کم و بیش یک سال اوشیدر بامی بیاید و دین روابکند».(1)

جهان در پایان هر یک از هزاره ها

نزد زردشتیان، جهان در پایان هریک از هزاره ها، جهانی است آکنده از همه تباهی ها و پریشانی ها، جهان خرابی که در آن، همه کس و همه چیز راه نابود را می پیماید...

الف - در زمینه های فردی و اجتماعی

در زراتشت نامه می خوانیم:

ز مردم در آن روزگاران بد

زصد یک نبینی که دارد خرد

نبینی در آن قوم رأی و مراد

نباشد به گفتارشان اعتماد(2)

و نیز آمده است: «... و چشم آز ایشان از خواسته پر نشود و خواسته جهان گرد کنند و زیرزمین نهان کنند».(3)

ب - در زمینه های تاریخی و اسطوره ای

وقایع تاریخی در پایان هزاره ها نیز مانند دیگر جنبه ها، روی هم رفته جامعه فاسدی را نشان می دهد که روزنه های امید در آن از همه سو بسته است و افق زندگی تیره و تار همه کوشش ها و تلاش ها بی نتیجه به نظر می رسد. اشاره متون گاه آشکارا به وقایع مشخص تاریخی است همچون تسلط ترک و روم و عرب.

1- 26. جاماسب نامه فارسی، ص 89 - 88.

2- 27. زراتشت نامه،88 و 91، بیت 1400 و 1352.

3- 28. زندبهمن یسن، ف 4، بند 62.

در زراتشت نامه می خوانیم:

همیدون بیایند قوم عرب

برانگیخته شرّ و شور و شغب

تلی کشته گردد زهر دو گروه

زکشته به هر مرز بر، کوه کوه(۱) و نیز می خوانیم: «چون هزاره تو به سر رسد (= به پایان رسد) ای سپیتمان زردشت! همه سرزمین های ایران به سمّ اسب ایشان کنده شود، و درفش ایشان به پدشخوارگر رسد».(۲)

ج - واژگونی اصول

در جامعه مورد بحث، نه تنها شیرازه امور فردی و اجتماعی گسیخته است، بلکه پدیده های مختلف نیز واژگونه شده و جریان طبیعی خود را از دست می دهد.

در زندبهمن یسن می خوانیم: «و ابرکامکار وباد پرهیزکار به هنگام و زمان خویش باران کردن نشاید».(۳)

و نیز آمده است:

برآید بسی ابر بر آسمان

که باران نبارد به هنگام آن(۴)

و نیز می خوانیم: «و هوا آشفته (شود) و سرد باد و گرم باد وزد».(۵)

و نیز می خوانیم: «..و تخم میوه ندهد، و میوه دانه به ده (دانه) هشت (دانه) بکاهد و دو بیفزاید و آن که بیفزاید سفید نباشد. و گیاهان و دارو درخت بکاهد

۱- ۲۹. زراتشت نامه، ص ۹۵، بیت ۵۹ - ۱۴۵۸.

۲- ۳۰. زندبهمن یسن، ف ۵، ب ۸.

۳- ۳۱. همان، ف ۴، ب ۴۲.

۴- ۳۲. زراتشت نامه، ص ۹۰، بیت ۱۳۸۳.

۵- ۳۳. جاماسب نامه، ف ۱، ب ۵.

چون یکی یکصد بستاند نود بکاهد و ده بیفزاید و آن را که بیفزاید شادابی و مزه نباشد».(۱)

موازین اخلاقی نیز وارونه شده است. در جاماسب نامه می خوانیم: «پس مردمانی که در آن هنگام (پایان هزاره) باشند همه به مهر دروجی (=پیمان شکنی) ایستند».(۲)

د - وضع خانواده ها

خانواده و نظام ها و ضوابط حاکم بر آن نیز دگرگون است و هماهنگی لازم را ندارد. در زند بهمن یسن می خوانیم: «مهر پدر از (دل) پسر (و) برادر از (دل) برادر برود».(۳)

و نیز آمده است: «و زن شوی خویش را به مرگ ارزان (اعدام) بدهد».(۴)

و نیز می خوانیم: «و پسر و پدر و مادر رازند و ایشان را اندر زندگی از کد خدایی جدا کنند».(۵)

ه - آفات

مهمترین و اساسی ترین وقایعی که رخ می دهد وقایع آسمانی و زمینی گوناگونی است که زندگی آدمیان و همه موجودات زمینی را دست خوش دگرگونی و نابودی می سازد. در جاماسب نامه آمده است: «و زمین لرزه بسیار بود و بسیار ویرانی بکند».(۶)

۱- ۳۴. زندبهمن یسن، ف ۴، ب ۱۸.

۲- ۳۵. جاماسب نامه، ف ۱، ب ۱.

۳- ۳۶. زندبهمن یسن، ف ۴، ب ۱۵.

۴- ۳۷. جاماسب نامه، ف ۱، ب ۴.

۵- ۳۸. زندبهمن یسن، ف ۴، ب ۱۵.

۶- ۳۹. جاماسب نامه، ف ۱، ب ۵.

و نیز آمده است:«و باران بی هنگام بارد و آنچه بارد بی سود و بد باشد».(۱)

و نیز می خوانیم: «و باران به هنگام خویش نیاید و آنچه (بارد) خرفستر و حشرات آورد».(۲)

و - تحریف و تغییر در دین

اساسی ترین تغییرات و دردآورترین آن ها ناهماهنگی و هرج و مرجی است که در امور دینی، روحانیان و تشکیلات دین حاصل می شود، آن گاه که از مذهب تنها نامی باقی ماند و معنویت و صفایی که باید برآن حکمفرما باشد، از میان برود.

در زندبهمن یسن آمده است:«آنان که به هیربدی و هاوشتی نامورند به یکدیگر خواهند و آهو (=عیب) (یکدیگر) گویند، و عیب بنگرند. ایشان را اهریمن و دیوان دشمنی بیشتر برده اند و از گناه که مردمان کنند از پنج گناه سه گناه هیربدان (و) هاوشتان کنند... و یزشی (=عبادت) که پذیرند نکنند و بیم از دوزخ ندارند».(۳)

۱- ۴۰. همان.

۲- ۴۱. جاماسب نامه فارسی، ص ۸۵.

۳- ۴۲. زندبهمن یسن، ف ۴، ب ۳۹ - ۴۱.

منجی در آیین یهود

پیروان ادیان سه گانه آسمانی (یهودیان، مسیحیان و مسلمانان) بر این باورند که آینده ی نهایی مسیر زندگی انسان خاکی، پیروزی ایمان بر کفر، حاکمیت حق و علم و عدالت اجتماعی و عبادت خدای متعال، وراثت زمین به صالحان، پایان خرافات و گمراهی و ستم و تمامی گونه های انحراف است. و نیز اتفاق دارند شخصی که خداوند عهد و پیمانش را به دست او تحقق می بخشد از فرزندان ابراهیم است، و شریعتی که بدان حکومت می کند آیین موسی نیست، بلکه دین پیامبری است که خداوند در آخرالزمان وی را مبعوث کند و امّی ها یعنی اهالی مکه (امّ القری) منتظر اویند.

در قرآن کریم آمده است: « وَلَقَدْ كَتَبْنا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّکْرِ أَنَّ الأَرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصّالِحُونَ»؛(۱) «و ما بعد از تورات، در زبور داود نوشتیم (و در کتب انبیای پیشین وعده دادیم) که بندگان نیکوکار من، مُلك زمین را وارث و متصرّف خواهند شد».

اینك به بررسی این موضوع در «عهد قدیم» و کتب یهودیان می پردازیم.

نجات پرهیزکاران در پایان تاریخ

در مزمور ۳۷ از کتاب مقدس یهودیان خطاب به حضرت داوود چنین آمده است: «کار اشرار تو را نگران نکند و بر گناه کاران حسرت مبر؛ زیرا مانند گیاه زود پژمرده می شوند و مثل علف سبز، سریع خشك می شوند. بر پروردگار توکّل کن و کار خیر انجام بده. و با خیال آسوده در زمین سکنی گزین و امانت

۱- ۴۳. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

دار بـاش. به پروردگـار امیـدوار بـاش تـا آرزوی قلبی ات را برآورد. راهت را برای پروردگار خالص ساز و بر او توکّل کن تا کارت را بر عهـده گیرد و بی گناهی ات راماننـد نور، آشـکار کنـد و مثل خورشـید تابان، حقّت را ظاهر سازد، و در پیشـگاه پروردگار، آرام گیر و با شکیبایی در انتظار (فرمان) وی باش و به آن که به کمک نیرنگ، در تلاشش موفق می

شود حسـرت مبر. خود را از غضب نگه دار و خشم را ترک کن، و برای انجـام شـر، متهوّر مباش، زیرا اشـرار در میماننـد، امّا منتظران (فرمان) پروردگار، وارثان خیرات زمین اند. به زودی شخص شریر نابود می شود و اگر در پی وی باشی او را نخواهی یافت. امّا نیکوکاران، خیرات زمین را به ارث می برند و به فیض صـلح و سـلامت می رسـند... خیر کمی که راستگو داراست، بهتر از ثروت بسـیار اشـرار است؛ زیرا دسـتان اشـرار به زودی می شـکند. امّـا پروردگـار نیکوکـارانی را پشتیبانی خواهـدکرد. پروردگار به روزگار افراد با کمال، آگاه است و تا ابـد میراثشان پاینـده خواهـد بود... از شـرّ، دور باش و خوبی کن که تا ابد آرام باشـی؛ زیرا پروردگار، عـدالت را دوست دارد و از پارسایان حمایت و تا ابـد آنان را حفظ می کند، امّا ذریه اشـرار نابود می شونـد. درسـتکاران خیرات زمین را به ارث می برنـد و تا ابـد در آن می ماننـد... کمال را در نظر بگیر و مسـتقیم بنگر، که پایان چنین انسانی سـلامت است. امّا همگی عصـیان گران هلاک می شوند و نهایت اشـرار فنا است. لیکن رهایی و رستگاری نیکوکـاران از جـانب خـداست و او به هنگـام تنگی دژ و امـان آنـان است. به حقّ، پروردگـار کمکشـان می کنـد و از اشـرار نجاتشان می دهد و رهایی می بخشد؛ زیرا تحت حمایت پروردگارند».(۱)

۱- ۴۴. مزمور ۳۷، کتاب مقدس.

خصوصیات موعود

در سِفر تکوین از جمله وعده های خداوند متعال به اسماعیل علیه السلام آمده است:«ای اسماعیل! سخنت را درباره وی (رهبر موعود) شنیدم. منم که مبارکش می گردانم و رشدش می دهم و توانش را بسیار بسیار می کنم و دوازده رهبر می زاید و امت عظیمی قرارش می دهم».(۱)

در سِفر اشعیا آمده است: «از تنه (یسّی) شکوفه می روید و از ریشه اش شاخه سبز می شود. روح پروردگار روح حکمت و هوشمندی، روح مشورت و توان، روح معرفت و ترس از پروردگار، بر (یسّی) مستقر می شود و شادی اش در تقوای پروردگار خواهدبود. به آنچه چشمانش می بیند قضاوت نخواهدکرد، و به آنچه گوش هایش می شنود حکم نخواهد نمود. برای مسکینان به عدل قضاوت می کند و برای بینوایان زمین، به انصاف حکم می نماید. با دهان و زبانش زمین را مجازات خواهدکرد و بر نَفَسی که از میان لبانش بیرون می شود منافق را می میراند. او لباس نیکی می پوشد و کمربند امانت داری می بندد. در نتیجه گرگ با میش خواهد زیست و پلنگ در کنار برّه خواهد نشست و گوساله و شیر درنده همدم خواهندشد، و همه حیوانات با هم چرا خواهندکرد. و بچه خردسالی، همگی را خواهد راند. و گاو و خرس با هم به مرتع خواهندرفت، و کرّه هایشان کنار هم خواهند بود. شیر درنده مثل گاو علف خواهد خورد، و کودک شیرخواره در امنیت، کنار لانه مار، بازی خواهدکرد و بچه خردسال دستش را داخل لانه افعی می کند و به او آسیبی نمی رسد. در

۱- ۴۵. سفر تکوین {پیدایش} آیه ۲۰، اصحاح (سوره) ۱۷.

هر کوه قدسی آدمیان اذیت نمی شوند، و بدی نخواهند کرد؛ زیرا زمین از معرفت پروردگار پر خواهدشد، چنان که دریا از آب پر است. در آن روز اصل و نسب (یسّی) پرچمدار (هدایت) امت خواهدبود، و همگی مردم زیر پرچم او خواهند آمد و به او نظر خواهند داشت، و جایگاه (یسّی) رفیع خواهد شد».(۱)

اتفاق یهود و نصارا

به رغم دشمنی تاریخی شدید میان یهود و مسیحیان، و به پندار کشتن عیسی بن مریم به دست یهود، پیروان هردو دین در قرن ۱۹ و ۲۰ میلادی به وحدت نظر در ظهور مسیح و پشتیبانی از برنامه ای سیاسی رسیدند که همان برپایی دولت اسرائیل بود، از این رو که به پندارشان مقدمه ظهور مسیح به شمار می آید. لذا صدها کلیسا و گروه مسیحی آمریکایی و اروپایی برای پشتیبانی از دولت اسرائیل بسیج شدند. در سال ۱۹۸۰ سازمانی به نام «سفارت بین المللی مسیحیان» در قدس اشغالی تشکیل شد که اهداف مؤسسان آن به اختصار چنین بود:

«ما بیش از اسرائیلی ها، صهیونیست هستیم و قدس تنها شهری است که مورد عنایت خدا است و خداوند تا ابد این سرزمین را به اسرائیل داده است».

اعضای این سفارت معتقدند که اگر اسرائیل نباشد مکانی برای بازگشت مسیح نخواهد بود.

بلافاصله پس از راه اندازی سفارت، جشن بین المللی سالیانه یهودی -

---

۱- ۴۶. سِفر اشعیا، ص ۱۱۱.

مسیحی با نام «عید عریش» برگزار شد و بیش از هزار روحانی مسیحی در آن شرکت کردند. و در سال ۱۹۸۲، سه هزار رهبر مذهبی مسیحی در آن حضور داشتند.

«سفارت بین المللی مسیحیان» یکی از سازمان های مهم بود که برای شنیدن کمیسیون های کنگره آمریکا به هنگام طرح جریان نبرد اعراب با اسرائیل به ویژه بر سر قدس دعوت می شدند.

در سال ۱۹۸۵، رهبری مسیحیان صهیونیست، کنفرانسی در «بال» سوییس برگزار کرد و اعلام نمود: «ما گروه هایی از دولت های مختلف و نمایندگان کلیساها در اینجا گرد آمده در این سالن کوچک که در ۸۸ سال پیش دکتر «تئودر هرتزل» به همراه اولین شرکت کنندگان کنفرانس صهیونیستی در آن تجمّع نمودند و سنگ بنای پیدایش دولت اسرائیل را نهادند، همگی برای نیایش و خشنودی پروردگار جمع شده ایم تا اشتیاق خود را به مردم و سرزمین و عقیده اسرائیل و همراهی خود را اعلام کنیم و بگوییم: دولت اسرائیل را تأیید می کنیم».(۱)

در آمریکا کنیسه ای تأسیس شد که شمار پیروانش به شش میلیون نفر می رسد، و اعضای آن معتقد به بازگشت مسیح اند که از جمله شرایط آن برپایی دولت صهیونیستی و تجمع یهودیان دنیا در فلسطین برشمرده شده است. و از جمله پیروان آن کنیسه «جرج بوش» و «ریگان» رؤسای جمهور پیشین آمریکا هستند.

۱- ۴۷. مقاله «الصهیونیّه فی امیرکا» حسن حداد، مجله شؤون فلسطینیه، شماره ۹۲-۹۳، ۱۰/۹/۱۹۹.

«هـال لیندسـی» در کتـاب خود «سیّاره فانی بزرگ زمین» مهم ترین شـرط پایان تاریـخ و بازگشت مسـیح را بازگشت یهود به سرزمین اسرائیل پس از هزاران سال دانسته است...(۱)

رسوخ عقیده نجات در یهودیّت

ایمـان و اعتقـاد به ظهور مصـلح جهـانی نزد یهود ثـابت بوده و در تورات و کتـاب هـای معتبر آنـان یافت می شود. بسـیاری از نویسـندگان معاصر، خصوصـاً در جهـان غرب به طور تفصـیل درباره این اعتقاد نزد یهود سـخن گفته و در این موضوع کتاب تـألیف کرده انـد، که از آن جمله می تـوان از «جـورج رذر فـورد» و سـناتور آمریکـایی «بول منزلی» و نویسـنده غربی «گریس هالسل» و دیگران نام برد. لذا هرکس که به بررسی و تحقیق در آیین یهود بپردازد پی به رسوخ این عقیده در آن می برد، و با بررسـی و پیگیری مسایـل سیاسـی پی می برد که در نتیجه این اعتقاد است که در قرون اخیر به هـدف آماده شـدن برای ظهور منجی جهـانی که به آن ایمـان دارنـد دست به تحرکـات وسـیعی در سـطح بین المللی زده انـد. این تحرکات مقـدماتی از سال {۱۹۱۴} میلادی یعنی سال شـروع جنگ جهانی اول شروع شد که در پی آن یهودیان پراکنده در عالم را به فلسطین بازگشت داده و دولتی یهودی را در آن سـرزمین تشکیل دادند، دولتی که تشکیل آن به عنوان زمینه سازی ظهور منجی موعود نزد آنان بود. آنان معتقدند که بازگشتشان به فلسطین، شروع و سرمنشأ معرکه ای است که به

۱- ۴۸. الصهیونیّه فی امیرکا، ش ۹۲ - ۹۳.

انتهای شرّ در جهان منجرّ خواهدشد و در آن هنگام ملکوت در روی زمین شروع شده و زمین فردوس برین خواهد شد.(۱)

مهدی موعودعلیه السلام در مزمور داوود

بـا مراجعه به مزمور ۷۲ از مزامیر داوود پی به اشـارات جـالب به ظهور مهـدی موعودعلیه السـلام در آخرالزمان به جهت ایجاد صلح و صفا در جهان می بریم. اینک به برخی از عبارات آن اشاره می کنیم.

«بارخـدایا! به پادشاه، سـلطنت خود را و به فرزنـد پادشاه عدالت خود را ببخش، تا با نیکی در میان مردمت قضاوت کرده و در بین پایین دسـتان انصاف به خرج دهد.تا این که کوه ها برای مردم حامل سـلامت و تل ها حامل نیکی باشـند. به پایین دسـتان مردم انصـاف داده و مسـکینان را خلاصـی بخشـد و ظالمان را دور نمایـد. او در زیر نور خورشـید و ماه از گروهی به گروهی دیگر بـاقی می مانـد... نیکی در روزگـار او زیـاد و صـلح تـا زمـان زوال مـاه عمومی می شود. و از دریـا تـا دریا را مالک و تا دورتریـن زمین را مالـک می گردد... تمـام پادشاهـان بر او سـجده کرده و تمـام امت هـا خـادم او می گردنـد؛ زیرا اوست که مسـکین پناهنده و گرفتار بی یاور را نجات می دهد. او را بر دل شکسـته و مسـکین عطوفت کرده و نفوس مساکین را خلاصی می بخشد.(۲)

یهود و نصارا در تعیین این دو شـخص یعنی «مَلِک و فرزنـدش» اختلاف کرده انـد. یهود می گوینـد: مقصود از «مَلِک» در این مزمور خود حضرت داوود

۱- ۴۹. روزنامه العهد، لبنانی، شماره ۶۸۵.

۲- ۵۰. کتاب مقدس، عهد قدیم، مزامیر داود، مزمور ۷۲، ص ۱۲۱۰ - ۱۲۱۲، رقم ۱ - ۱۷.

و مراد به «فرزند ملک» سلیمان فرزند داوود است. ولی نصارا می گویند: مقصود به «مَلِک» عیسی مسیح است.

در جواب تفسیر یهود می گوییم: اولاً: از آنجا که حضرت داوودعلیه السلام در مقام خضوع و خشوع و تضرّع و مناجات با خدا است معنا ندارد که از خودش تعبیر به «مَلِک» کند.

ثانیاً: آنچه که در این مزمور آمده که تمام پادشاهان بر او سجده کرده و همه امت ها او را خدمت خواهند کرد، بر حضرت داوود منطبق نمی شود؛ زیرا آن حضرت تنها سلطه اش بر محدوده فلسطین بوده است.

و در پاسخ تفسیر و توجیه مسیحیان می گوییم: اولاً: حضرت عیسی علیه السلام دارای پادشاهی و سلطنت نبود تا از خود «مَلِک» تعبیر کند و حتی یک روز هم حکومت و سلطنت نکرد، بلکه یهود براو مسلّط شده و او را گرفته و اهانت کردند.

ثانیاً: حضرت مسیح علیه السلام ازدواج نکرد و در نتیجه از خود فرزندی به جای نگذاشت تا این که از خداوند بخواهد که «عدالتش را به فرزندش مَلِک عطا کند».

ثالثاً: بیشتر صفاتی که در این مزمور آمده قابل انطباق بر حضرت مسیح علیه السلام نیست. و لذا در پایان می توان نتیجه گرفت که مقصود به «مَلِک» در این مزمور حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله و مراد به «فرزند مَلِک» حضرت مهدی علیه السلام است.

انتظار مسیحیا در آیین یهود

شور و التهاب انتظار موعود آخرالزمان در تاریخ پرفراز و نشیب یهودیّت موج می زند. یهودیان در سراسر تاریخ محنت بار خود هرگونه خواری

ص:۳۲

و شکنجه را به این امید برخود هموار کردند که روزی «مسیحا» بیاید و آنان را از گرداب ذلّت و درد و رنج رهانده، فرمانروای جهان گرداند. در عصر ما نیز که یهودیان صهیونیست برپا خواسته و با اشغال فلسطین درصدد برآمده اند تا حقارت همیشگی قوم یهود را برافکنند، چیزی از تب و تاب انتظار موعود کاسته نشده است.

درست است که اقلّیتی ناچیز از یهود بر اثر دلبستگی شدید به امیدهای قدیم، تشکیل دولت صهیونیستی را مخالف آرمان مسیحایی شمرده و پیوسته با آن مخالفت کرده اند، ولی غالب یهودیان آن را از جان و دل پذیرفته و آن را راهگشای عصر مسیحا دانسته اند. هم اکنون صهیونیست های اشغالگر فلسطین، علاوه بر دعاهای مسیحایی مرسوم، در پایان مراسم سالگرد بنیانگذاری رژیم اسرائیل غاصب (پنجم ماه إیّار عبری) پس از دمیدن در شیپور عبادت، این گونه دعا می کنند: «اراده خداوند، خدای ما چنین باد که به لطف او شاهد سپیده دم آزادی باشیم و نفخ صور مسیحا گوش ما را نوازش دهد».

در سراسر تاریخ بنی اسرائیل کسانی به عنوان موعود یهود برخواستند و با گردآوردن برخی از افراد ساده لوح بر مشکلات آنان افزودند. در این میان حضرت عیسی علیه السلام ظهور کرد و با داشتن شخصیتی بس والا و روحی الهی دین بسیار بزرگی را بنیان نهاد، و گروه بی شماری را به حق و حقیقت رهنمون ساخت. مسیحیت بر اساس اندیشه انتظار پدید آمد.

سرانجام در اواخر قرن ۱۹، یهودیان اروپا و روسیه با نادیده گرفتن سنت انتظار، برای کسب استقلال و عزّت برخاستند و صهیونیسم را بنیاد نهادند و به

دنبال آن مهاجرت یهودیان به فلسطین آغاز شد و مسلمانان هنگامی از عمق فاجعه آگاهی یافتند که راه چاره بسته شده بود.

آرمان قیام منجی

بسیار طبیعی است که قوم بنی اسرائیل با گذشته تیره و تار خود در انتظار آینده ای بهتر باشد و پایان رنج های خود را در آن بجوید. به همین علت هنگامی که حضرت موسی علیه السلام به عنوان یک منجی میان ایشان برخاست، آنان در پذیرفتن او درنگ نکردند. این آرمان که در دوران ابتلا پا گرفت، با گذشت زمان در ژرفای جان قوم رشد و نمو یافت و متناسب با محیط و شرایط داخلی به اشکال گوناگونی درآمد ولی به طور کامل هرگز از آنان جدا نشد...

تنها با انتخاب داوود به پادشاهی بود که آرزوی قوم برای قیام یک منجی کاملاً برآورده شد. داوود نمونه یک پادشاه یهودی و الگوی جاودانی، شخص مسیحا گردید، و در واقع برخی از انبیا و حکیمان او را مسیحا می دانستند.(۱)

عصر داوود و سلیمان را می توان دوران شکوفا شدن آرمان مسیحایی در اذهان قوم یهود دانست. آرمان یاد شده در آن زمان از گرایش مادّی به رهایی از دشمنان ستمگر تحوّل یافت و به آرزو و امید برپایی یک حکومت ملّی پا برجا و مبتنی بر اصول اخلاقی خالص و آرمان های والا مبدّل گردید.

امید مسیحایی با دو نیم شدن حکومت بنی اسرائیل پس از حضرت سلیمان و قیام داری انبیا که قیام خود را در این عصر آغاز کردند، جدّی تر شد.

۱- ۵۱. هوشع ۳ / ۵، اِرمیا ۳۰ / ۹، حزقیال، ۳۷ / ۲۴ – ۲۵.

انبیا نه تنها آتش شوق را در دل ها روشن نگه می داشتند، بلکه به توسعه دادن مفهوم مسیحا و دوران مسیحایی می پرداختند.

آنان معتقد بودند که شخص مسیحا که خدا به وسیله او جهان را مبارک می گرداند، در اذهان بیشتر انبیا حاضر بود.

نخستین نبیّ که پیشگویی های خود را نوشت عاموس بود. وی و نبیّ جوان و معاصرش «هوشع» از روز انتقام از سامره (پایتخت حکومت تجزیه شده اسرائیل) سخن گفته اند.(۱)

پیشگویی هوشع که «در آن روز خدا کمان و شمشیر و جنگ را از زمین خواهد شکست و ایشان را به امنیت خواهد خواباند»، به اتحاد مسالمت آمیز و تثبیت دوباره اسرائیل و یهودا در سرزمین خود اشاره می کند، و اشاره به اندیشه های فراملیّتی که انبیای متأخّر برای عصر مسیحایی تدارک دیده اند اشاره ای ندارد تا عصر اشعیای نبی که با یک جهان بینی فراگیر و گسترده همچون یک دولتمرد به حوادث تاریخ می نگریست.

اندیشه مسیحایی در پیشگویی إشَعْیا به طور وضوح آمده است. مسیحای آرامش آفرین و تسلّی بخش قوم یهود در یکی از پیشگویی های او تصویر شده است. او حکومت آرمانی عادلانه ای را پی می افکند که در آن زمان «جهان از معرفت خداوند پر خواهدشد، مثل آب هایی که دریا را می پوشاند». که آن پس از گسترش دین بنی اسرائیل در سراسر گیتی است همچون پرچم قوم ها برپا خواهد شد و امت ها آن را خواهند طلبید.(۲)

۱- ۵۲. هوشع ۱ / ۱۱ و ۳ / ۵.

۲- ۵۳. اشعیا ۱۱ / ۱۰.

و نیز می خوانیم: «و در ایام آخر واقع خواهد شد که کوه خانه خداوند بر قلّه کوه ها ثابت خواهد شد و فوق تلّ ها برافراشته خواهد گردید و جمیع امّت ها به سوی آن روان خواهند شد...».(۱)

برخی از پیشگویی های صَفَنیا حتی از پیشگویی های اشعیا جهان شمول ترند. از دید او عصر مسیحایی زمان اصلاح کلّی جهان است.؛«زیرا که در آن زمان، زبان پاک به امّت ها خواهم داد تا جمیع ایشان اسم یهوه را بخوانند و به یک دل او را عبادت کنند».(۲)

تب و تاب انتظارِ دخالتِ اعجازآمیز خداوند در دوران سیطره والیان رومی بر فلسطین به اوج خود رسید. و به همین دلیل هنگامی که یحیای تعمید دهنده ندا داد: «توبه کنید؛ زیرا ملکوت آسمان نزدیک است»(۳) توده های مردم پیام او را با جان و دل شنیدند. کلمات هیجان آور او دل های شنوندگان را تکان می داد و الهام بخش گروه های ستمدیده و بینوایی بود که همواره آتش شوق انتظار برای قیام «مسح شده» خدا در قلوبشان زبانه می کشید.

تصور تلمود پیرامون شخص مسیحا روی هم رفته به قرار زیر است:

«یک انسان که نهالی از خاندان سلطنتی داوود است و قداست او تنها به سبب موهبت های طبیعی وی خواهدبود، امّت های مشرک به دست او نابود خواهند شد و بنی اسرائیل قوّت خواهد گرفت».(۴)

۱- ۵۴. همان، ۲ / ۲ - ۴.

۲- ۵۵. صفنیا ۳ / ۹.

۳- ۵۶. متّی ۳ / ۲.

۴- ۵۷. انتظار مسیحا در آیین یهود، ص ۶۵، از جالیوس.

اعتقاد به منجی در آیین مسیحیت

با مراجعه به کتاب های مقدس مسیحیان نیز پی می بریم که نه تنها در آن ها سخن از ظهور منجی در آخرالزمان به میان آمده، بلکه درباره خصوصیات و جزئیات آن نیز مطالبی بیان شده است، که با تأملی در آن ها می توان در بسیاری از موارد با آنچه در کتاب های مسلمانان در این باره آمده مطابقت کرده و به وحدت نظر رسید. اینک به بخش هایی از عهد جدید و کتاب های مقدس مسیحیان که به این موضوع پرداخته شده اشاره می کنیم.

بشارت حضرت مسیح علیه السلام

حضرت مسیح علیه السلام به جهت بشارت دادن مبعوث شد، و کلمه«انجیل» برگرفته از لفظ یونانی «اونجلیون» است که به معنای خبر خوش و بشارت به خلاصی است. اعلان این بشارت به مردم از مهمترین وظیفه حضرت مسیح بوده است. و مفاد این بشارت همان ملکوت و سلطنت خدایی است. و لذا مواعظ و خطبه های حضرت بر این معنا تأکید داشته است. مرقس در انجیل خود می گوید: «و بعد از زندانی شدن یوحنّا، یسوع (مسیح) به نزد جلیل آمد و اعلان بشارت می کرد و می گفت: وقتش نزدیک شده و ملکوت خدا نزدیک شده است پس توبه کنید و به بشارت ایمان آورید».(۱)

و نیز فرمود: «بر من واجب است که سایر شهرها را نیز بشارت به ملکوت خدا دهم؛ زیرا من برای این کار فرستاده شده ام».(۲)

ص:۳۷

۱- ۵۸. کتاب مقدس، عهد جدید، انجیل مرقس، اصحاح ۱، ص ۱۲۸، رقم ۱۴ - ۱۵.

۲- ۵۹. همان، صحاح ۴، ص ۲۰۵، رقم ۴۳.

و نیز به حواریون فرمود: «به همه عالم سفر کنید و به تمام مردم خبر بشارت را برسانید».(۱)

متّی می گوید:«او در تمام جلیل سیر می کرد و در بین مجامع آن ها وارد شده و تعلیمشان می داد و اعلان به بشارت ملکوت می کرد».(۲)

لوقا در انجیل خود می گوید:«دوازده حواری را دعوت کرد... آن گاه همه را به جهت اعلان ملکوت خداوند فرستاد».(۳)

منجی موعود در عهد جدید

در رؤیای یوحنّا لاهوتی اشاره به موعود منجی شده است آنجا که از قول حضرت مسیح علیه السلام می فرماید:«و شخص غالب آن کسی است که تا به آخر بر اعمال و رفتار من حفاظت خواهدکرد پس زود است که او را سلطان بر تمام امّت ها قرار دهم. او همه امّت ها را با عصایی از آهن مراعات خواهد کرد...»(۴)

به طور حتم کسی که سلطنت بر تمام امّت ها را در آینده دارد حضرت مسیح نخواهد بود؛ زیرا در همان انجیل از قول حضرت مسیح علیه السلام آمده است: «من مجد خود را طلب نمی کنم، بلکه در آنجا کسی است که آن را طلب کرده و حکم می کند».(۵)

۱- ۶۰. همان، ۱۶ / ۱۷۸ / ۱۵.

۲- ۶۱. انجیل متّی، ۴ / ۴۵ / ۲۳.

۳- ۶۲. انجیل لوقا، ۹ / ۲۲۱ / ۱ و ۲.

۴- ۶۳. کتاب مقدس، عهدجدید، رؤیا یوحنّا لاهوتی، اصحاح ۲، ص ۸۰۴ - ۸۰۵، رقم ۲۶ - ۲۹.

۵- ۶۴. همان، ۸ / ۳۱۷ / ۵۰.

اشاره به مادر حضرت مهدی علیه السلام

و نیز در رؤیای یوحنّای لاهوتی به مادر موعود جهانی و منجی بشریت حضرت مهدی علیه السلام اشاره کرده و می گوید: «آن گاه نشانه ای بزرگ در آسمان پدید آمد، زنی پیچیده شده به خورشید و ماه در زیر پاهایش و بر روی سرش تاجی است با دوازده ستاره درخشان. زن حاملی که از درد زایمان فریاد می زند... او فرزندی پسر به دنیا آورد و اوست کسی که در آینده تمام امت ها را با عصایی از آهن رهبری کند...».(۱)

مفسران انجیل می گویند: کسی را که حضرت مسیح در این آیه به آن بشارت داده هنوز متولد نشده است و تا وقتی که متولد شود برای آن تفسیر واضحی نمی شناسیم. ولی مطابق دیدگاه شیعه دوازده امامی تفسیر این کلمات بسیار واضح و روشن است ؛ زیرا حضرت مسیح در این کلمات به ولادت حضرت مهدی علیه السلام از حضرت نرجس خاتون اشاره کرده است. و مقصود او از این که آن زن پیچیده شده به خورشید، آن است که رحم او منوّر به نور امامت است که از جانب امام حسن عسکری علیه السلام به رحمش القا شده است. و مراد از ماهی که در زیر پای او قرار دارد حکیمه خاتون عمه امام عسکری علیه السلام است که هنگام زاییدن در پایین پای نرجس خاتون قرار داشت. و مقصود از تاج، شخص رسول خداصلی الله علیه وآله و مراد به دوازده ستاره درخشان، ذوات مقدسه دوازده امام معصوم از ذریه اوست.

در این رؤیا خصوصیات بسیار دیگری ذکر شده که همگی قابل انطباق بر

۱- ۶۵. کتاب مقدس، عهد جدید، رؤیا یوحنّای لاهوتی، اصحاح ۱۲، ص ۸۱۵ - ۸۱۷، رقم ۱ - ۱۷.

عصر امام عسکری علیه السلام و خصوصیات خلیفه عباسی و موقعیت حضرت مهدی علیه السلام است. و لذا کسی که طالب تحقیق بیشتر است به آن رؤیای یوحنا لاهوتی مراجعه کند.

ملکوت خدا در عهد جدید

اصطلاح ملکوت خدا در عهد جدید زیاد بکار رفته است. ۱۴ بار در انجیل مرقس و ۳۹ بار در انجیل لوقا و ۳۲ بار در انجیل متّی. و در برخی از موارد به صیغه«ملکوت آسمان ها» آمده است؛ زیرا عادت یهود آن بود که اسم خداوند را به جهت احترام و خشیت بر زبان نمی آوردند. ملکوت و سلطنت خداوند همان بشارتی است که حضرت مسیح علیه السلام به جهت ابلاغ آن به قومش و به تمام عالم مبعوث شده است. حال مقصود از این کلمه چیست و چه اهمیت ویژه ای دارد که حضرت مسیح علیه السلام بر آن مبعوث شده است؟

با ملاحظه نصوص دیگر اناجیل پی می بریم که مقصود از ملکوت الهی همان حکومت و خلافت و دولت و سلطنت خداوند در روی زمین است.

در انجیل لوقا آمده است:«حضرت مسیح علیه السلام به شاگردان خود فرمود: هرگاه نماز گزاردید بگویید: ای پدر ما که در آسمان ها هستی باید نام تو تقدیس شود، باید ملکوت تو بیاید، باید مشیّت تو وجود پیدا کند، آنگونه که در آسمان است باید در زمین نیز باشد».(۱)

و در انجیل متی آمده است: «باید ملکوت تو بیاید، باید آنچه که در زمین می خواهی همانند آنچه که در آسمان است تحقق یابد».(۲)

۱- ۶۶. انجیل لوقا، ۱۱ / ۱۱۴ / ۲.

۲- ۶۷. انجیل متّی، ۶ / ۵۲ / ۱۰.

معنای این جملات آن است که باید حکومت و سلطنت خداوند عزوجل در روی زمین از جانب فردی از بشر تحقق پیدا کند همان گونه که در آسمان از ناحیه ملائکه تحقق پیدا می کند و آن عمل کردن به شریعت الهی و دستورات او و از اوامر و نواهی است که به توسط انبیا برای بشر فرستاده شده است.

موضوع ملکوت خدا یا ملکوت سموات امری نیست که تنها حضرت مسیح علیه السلام به آن بشارت داده باشد بلکه انبیای قبل از او نیز به آن خبر داده اند. از آن جمله متّی در انجیل خود درباره حضرت یحیی علیه السلام چنین نقل می کند:«در آن روزها یوحنّا معدان در بین مردم یهود ندا می دهد و می گوید: توبه کنید زیرا ملکوت آسمان ها نزدیک است».(۱)

موضوع ملکوت خدا یا آسمان ها مسأله ای نبوده که موقعیت مردم آن زمان کشش و تحمّل فهمیدن تفصیل آن را داشته باشند، و لذا به صورت مثال و رمزی و با تبیین خطوط کلّی برای آنان عرضه شده است.

لذا مرقس می گوید: «چون که جمعیت پراکنده شد افرادی که به دور او با دوازده نفر بودند از مثل هایی که برای مردم می گفت سؤال کردند؟ حضرت به آنان فرمود: «به شما سرّ ملکوت خدا داده شده ولی سایر مردم هرچه به آن ها القا می شود با مَثَل ها است».(۲)

و در انجیل متّی آمده است:«شاگردانش به نزد او آمده و گفتند: چرا با مردم به مَثَل سخن می گویی؟ آن ها را جواب داد؛ زیرا شما هستید که مورد لطف خدا

۱- ۶۸. انجیل متّی، ۳ / ۴۱ / ۱ و ۲.

۲- ۶۹. انجیل مرقس، اصحاح ۴، ص ۱۳۷، رقم ۱۰ - ۱۱.

قرار گرفته و می توانید اسرار ملکوت آسمان ها را بفهمید، ولی آنان به چنین مقامی نرسیده اند».(۱)

این که حضرت مسیح علیه السلام بشارت خود را که همان نزدیک بودن پیاده شدن ملکوت خداوند است به طور رمزی بیان کرده نه به این معنا است که به وظیفه رسالت خود عمل نکرده یا در آن قصور و تقصیر داشته است، بلکه این گونه بیان کردن اهداف رسالت یک تاکتیک مرحله ای است که باید در دو سطح در میان جامعه مطرح شود؛ زیرا درک موضوعی که قرار است بعد از صدها سال بلکه شاید هزاران سال دیگر تحقق یابد برای عموم مردم دشوار به نظر می رسد، و لذا حضرت برای عموم مردم به صورت رمزی و مثال بیان کرده و برای خواصّ از افراد خود به صورت تفصیل توضیح داده است.

در انجیل یوحنّا از قول حضرت مسیح علیه السلام آمده است: «همیشه نزد من امور بسیاری است که برای شما نقل می کنم ولی شما الآن طاقت حمل و کشش فهم آن را ندارید».(۲)

هدف از ملکوت الهی در قرآن

با مراجعه به قرآن کریم پی می بریم که هدف از ایجاد خلق، عبادت و عبودیت مطلقه برای خداوند معرفی شده است.

خداوند سبحان می فرماید: « وَما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»(۳)؛ «من جنّ و انس را به جز برای عبادت خلق نکردم».

۱- ۷۰. انجیل متّی، ۳ / ۷۳ / ۱۰ – ۱۱.

۲- ۷۱. انجیل یوحنّا، ۱۶ / ۳۴۳ / ۱۲.

۳- ۷۲. ذاریات / ۵۶.

این عبـادت و عبودیت تنهـا همـان به زحمت انـداختن نفس و جوارح در تکـالیف معیّن و مخصوص نیست بلکه مقصود از آن تنفیذ اوامر الهی است که به جهت اصلاح انسان و جامعه تشریع شده است.

خداونـد سـبحان بشـر را عبث و بیهوده خلق نکرده، بلکه به جهت رسـیدن بشـریت به کمال مطلوب و مطلق خود او را آفریـده است. انبیای الهی از ابتـدا به این هـدف نهایی، مردم را تـذکّر داده و در راه پیاده شـدن آن و تربیت مردم به جهت پیاده کردن آن سعی و کوشش بلیغ نموده اند، ولی این امر زمان می برد، این مردم هستند که باید به سطح فکری و فرهنگی خاصی برسند تا زمینه ساز حکومت عدل جهانی به رهبری فردی الهی باشند؛ زیرا خداوند نمی خواهد اهداف خود را با قهر و غلبه و جبر در بشـر پیاده کند و در تمام موارد از جبر استفاده نماید، بلکه حکمت الهی در خلقت بشر و ترسیم اهداف او این گونه بوده که با اختیار او را به این اهداف برساند.

صعود مسیح علیه السلام به آسمان

مسـیحیان و مسـلمانان در این جهت اتفاق نظر دارند که حضـرت مسیح علیه السلام به آسمان ها رفته و الآن زنده است، گرچه در خصوصـیات آن با هم اختلاف نظر دارند. مسـیحیان می گویند: حضرت مسیح علیه السلام به دار آویخته شد و سه روز بعد از کشـته شـدن و دفن شـدن از قبر بیرون آمـد و به آسـمان هـا صـعود کرد.ولی مطـابق نظر مسـلمانان که از ظـاهر آیات قرآن بر گرفته شده حضـرت مسـیح علیه السـلام به دار آویخته نشد و کشـته نشد بلکه مسـتقیماً به آسـمان ها رفت و کس دیگری به جای او به دار آویخته شد.

حضـرت مسـیح علیه السـلام سـی سـاله بود که به نبوت مبعوث شـد و سه سـال هم مبعوث به رسـالت بود و در سن سـی و سـه سالگی به سوی آسمان رفت.

ابوالفضل عبـداللَّه بن محمد بن صدیق غماری می گوید: «قول صـحیحی که محدّثان و مورّخان همچون ابن جریر و ابن کثیر و دیگران بر آن اعتمـاد کرده انـد این است که مسـیح علیه السـلام در حـالی که سـی ساله بود بر وی وحی شـد و در روی زمین مکث کرد تا در سن سی و سه سالگی به آسمان رفت، و این قولی است که جمهور علما بر آن اعتماد کرده اند».(۱)

در مورد حکمت رفتن حضـرت مسـیح علیه السـلام به آسـمان در حالی که زنـده است با وجودی که معجزه بوده و خرق نظام طبیعی است ممکن است این گونه توجیه کنیم:

اولاً: چون حضـرت مسیح علیه السلام رهبر مسیحیان جهان به شمار می آید نزول و فرود آمدن او بعد از ظهور حضرت مهدی علیه السـلام و تشریک مساعی با حضرت می تواند در جلب توجه مسیحیان که جمعیت بسیاری را تشکیل می دهند بسیار مؤثّر باشد.

ثانیاً: در مورد این که چرا حضـرت مسـیح علیه السـلام تاکنون زنـده مانـده شاید بدین جهت باشد که تحت تربیت خاص الهی قرار گرفته تا در عصر ظهور بتواند در برپایی حکومت عدل گستر جهانی حضرت مهدی علیه السلام سهم داشته باشد.

ثالثاً: این که حضـرت مسـیح علیه السـلام به آسـمان ها برده شد ممکن است بدین جهت باشد که آمدن پیامبری جدید و اولی العزم یعنی حضرت محمّدصلی الله علیه وآله

۱- ۷۳. اقامه البرهان علی نزول عیسی فی آخرالزمان، ص ۹۰ - ۹۲.

متوقف بر رفتن پیامبر سابق و نسخ شریعت او است؛ زیرا دو حجت خدا در عرض هم در روی زمین امکان پذیر نیست، همان گونه که در علم کلام به آن اشاره شده و بر آن اقامه برهان شده است.

در انجیل یوحنّا آمده است: «روزی از روزها عیسی به مردم فرمود: من با شما در وقت کمی هستم، سپس به سوی آن که مرا فرستاد باز می گردم زود است که شما مرا دنبال کرده و جست و جو کنید ولی مرا نخواهید یافت. و آنجایی که من هستم شما استطاعت و قدرت ندارید که بیایید».(۱)

و نیز آمده است: «از من شنیدید که به شما چه می گویم من می روم و سپس به سوی شما بازمی گردم و خوشحال خواهید شد؛ زیرا پدر از من بزرگ تر است. من به طور حتم از الآن به آن امر قبل از حدوثش خبر دادم تا وقتی که حادث شد به آن ایمان آورید. من سخن را بعد از آن طولانی نخواهم کرد، زیرا آقای این جهان خواهد آمد».(۲)

و نیز آمده است: «بعد از مدت اندکی مرا نخواهید دید، آن گاه بعد از مدت اندکی مرا مشاهده خواهید کرد... شما نیز الآن محزون خواهید شد ولی من زود بر خواهم گشت، و شما را می بینم که قلب هایتان شاد خواهد شد و کسی نمی تواند این شادی را از شما سلب کند... من از جانب پدر خارج شده و به این جهان آمدم، ولی الآن این جهان را رها می کنم و به سوی پدر می روم».(۳)

۱- ۷۴. انجیل یوحنّا،اصحاح ۷، ص ۳۱۲، رقم ۳۳ - ۳۴.
۲- ۷۵. انجیل یوحنّا، اصحاح ۱۴، ص ۳۳۹، رقم ۲۸ - ۳۰.
۳- ۷۶. همان، اصحاح ۱۶، ص ۳۴۵، رقم ۱۶ - ۲۸.

قرآن کریم در چند موضع به این مطلب اشاره کرده است:

در سوره نساء آمده است: « وَبِکُفْرِهِمْ وَقَوْلِهِمْ عَلی مَرْیَمَ بُهْتاناً عَظِیماً وَقَوْلِهِمْ إِنّا قَتَلْنَا الْمَسِیحَ عِیسَی ابْنَ مَرْیَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَما قَتَلُوهُ وَما صَلَبُوهُ وَلکِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِینَ اخْتَلَفُوا فِیهِ لَفِی شَکٍّ مِنْهُ ما لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلاَّ اتِّباعَ الظَّنِّ وَما قَتَلُوهُ یَقِیناً بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَیْهِ وَکانَ اللَّهُ عَزِیزاً حَکِیماً وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْکِتابِ إِلاَّ لَیُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَیَوْمَ الْقِیامَهِ یَکُونُ عَلَیْهِمْ شَهِیداً»؛(۱) «و (نیز) به خاطر کفرشان و تهمت بزرگی که بر مریم زدند. و گفتارشان: که ما مسیح عیسی بن مریم پیامبر خدا را کشتیم. در حالی که نه او را کشتند و نه بر دار آویختند، لکن امر بر آن ها مشتبه شد. و کسانی که در مورد (قتل) او را اختلاف کردند، از آن در شک هستند و علم به آن ندارند و تنها از گمان پیروی می کنند. و قطعاً او را نکشتند. بلکه خدا او را به سوی خود بالا برد. و خداوند، توانا و حکیم است. و هیچ یک از اهل کتاب نیست مگر این که پیش از مرگش به او (حضرت مسیح) ایمان می آورد، و روز قیامت، بر آن ها گواه خواهدبود».

و نیز می فرماید:« إِذْ قالَ اللَّهُ یا عِیسَی ابْنَ مَرْیَمَ اذْکُرْ نِعْمَتِی عَلَیْکَ وَعَلی والِدَتِکَ إِذْ أَیَّدْتُکَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُکَلِّمُ النّاسَ فِی الْمَهْدِ وَکَهْلا...»؛(۲) «(به خاطر بیاور) هنگامی را که خداوند به عیسی بن مریم گفت: یاد کن نعمتی را که به تو و مادرت بخشیدم زمانی که تو را به روح القدس تقویت کردم که در گاهواره و به هنگام بزرگی با مردم سخن می گفت...».

رابعاً: ممکن است که زنده بودن حضرت مسیح علیه السلام تا بدین مدت به جهت صحّه گذاردن بر طول عمر حضرت مهدی علیه السلام باشد مطابق قاعده معروف:

۱- ۷۷. سوره نساء، آیات ۱۵۶ - ۱۵۹.

۲- ۷۸. سوره مائده، آیه ۱۱۰.

«بهترین دلیـل بر امکـان یک شـیی ء وقوع آن است». همان گونه که در حکمت طول عمر حضـرت خضـر به همین نکته اشاره کرده است.

سدیر صـیرفی در حدیثی از امام صادق علیه السـلام نقل کرده که حضرت فرمود: «وامّا العبد الصالح الخضرعلیه السلام فإنّ اللّه تبارک وتعالی ما طول عمره لنبوّه قـدّرها له ولا لکتاب ینزّله علیه ولالشـریعه ینسـخ بها شـریعه من کان قبلها من الانبیاء ولا لإمه یلزم عبـاده الإقتـداء بهـا، ولالطـاعه یفرضـها له، بلی انّ اللّه تبـارک وتعـالی لمّا کان فی سابق علمه ان یقـدّر من عمر القائم علیه السـلام فی ایام غیبته ما یقدّر وعلم ما یکون من انکار عباده بمقدار ذلک العمر فی الطول، طوّل عمر العبد الصالح من غیر سبب اوجب ذلک إلّا لعله الاسـتدلال به علی عمر القائم علیه السلام، ولیقطع بذلک حجه المعاندین لئلا یکون للناس علی اللّه حجه»؛ «و امّـا عبـد صالـح یعنی خضـر، پس خداونـد تبـارک و تعـالی به جهت نبوّتی که برای او تقـدیر کرده باشـد عمر او را طولانی نکرد، و برای کتابی که بر او نازل کنـد یا شـریعتی که بـدان، شـریعت انبیای پیشـین را نسـخ کند یا امامتی که اقتدای به آن بر بندگانش لازم باشد، یا طاعتی که آن را برای او فرض نماید، عمر او را طولانی نکرد، بلکه همانا خداوند تبارک و تعالی چون در علم سابق خود طول عمر قائم –علیه السـلام – را در ایام غیبتش به آن اندازه که مقدّر کرده تقدیر نموده بود و از طرفی می دانست بنـدگانش این مقـدار از عمر طولانی را انکار می کنند لذا عمر عبد صالح را بدون جهت دیگر طولانی کرد تا دلیلی بر عمر قـائم علیـه السـلام باشـد، و نیز تـا بـه واسطه آن حجت و اسـتدلال معانـدین قطع گردد تـا برای مردم بر خداونـد حجـتی نباشد».(۱)

ص:۴۷

۱– ۷۹. اکمال الدین، ص ۳۵۷، ح ۵۰، غیبت طوسی، ص ۱۷۲، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۲۲۲، ح ۹.

بازگشت حضرت مسیح علیه السلام

موضوع بـازگشت حضـرت مسـیح علیه السـلام از آسـمان به زمین مسأله ای است که در عهـد جدیـد و قرآن کریم و روایات فریقین شیعه و سنی به آن اشاره شده است.

الف - عهد جدید

در انجیل یوحنّا آمده است که حضرت مسیح علیه السلام به شاگردانش فرمود:«از من شنیدید، به شما می گویم: من می روم و سپس به سوی شما باز می گردم...».(۱)

و نیز در رؤیای یوحنّای لاهوتی آمده است: «آگاه باش! او از میان ابرها خواهد آمد، زود است که هر چشـمی او را ببیند، حتی کسانی که در او طعن زدند...».(۲)

و نیز فرمود: «آگاه باشید من آن همان کسـی هستم که با عجله خواهم آمد. خوشا به حال کسی که گفته های نبوی را در این کتاب حفظ می کند».(۳)

و نیز فرمود: «آگـاه باشـید! من همـان کسـی هسـتم که با عجله می آیـد و همراه من جزایی است که با آن هرکس را به انـدازه عملش خواهم داد».(۴)

ب - قرآن کریم

با مراجعه به قرآن کریم پی خواهیم برد که در این کتاب مقدس نیز به این

ص:۴۸

۱- ۸۰. انجیل یوحنّا، اصحاح ۱۴، ص ۳۳۹، رقم ۲۸ - ۳۰.

۲- ۸۱. رؤیای یوحنّای لاهوتی، ۱ / ۸۰۱ / ۷.

۳- ۸۲. همان، ۲۲ / ۸۳۱ / ۷.

۴- ۸۳. همان، ۲۲ / ۸۳۱ / ۱۲.

موضوع در آیات متعددی اشاره شده است:

۱ - خداوند سبحان می فرماید: « وَ یُکَلِّمُ النّاسَ فِی الْمَهْدِ وَ کَهْلًا»؛(۱) «و با مردم، در گاهواره و در حالت کهولت (و میانسال شدن) سخن خواهد گفت...».

ابن جریر طبری به سندش از ابن زید در تفسیر این آیه نقل کرده که گفت: «عیسی در گهواره با آنان سخن گفت، و زود است که با آن مردم هنگامی که دجّال کشته شود در حالی که پیر است سخن بگوید».(۲)

۲ - و نیز می فرماید: « إِذْ قالَ اللَّهُ یا عِیسَی ابْنَ مَرْیَمَ اذْکُرْ نِعْمَتِی عَلَیْکَ وَ عَلی والِدَتِکَ إِذْ أَیَّدْتُکَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُکَلِّمُ النّاسَ فِی الْمَهْدِ وَکَهْلًا)؛(۳) «(به خاطر بیاور) هنگامی را که خداوند به عیسی بن مریم فرمود: یاد کن نعمتی را که به تو و مادرت بخشیدم زمانی که تو را به روح القدس تقویت کردم که در گاهواره و به هنگام بزرگی با مردم سخن می گفت...».

سیوطی بعد از کلمه «وکهلاً» می گوید: از این آیه استفاده می شود که حضرت مسیح علیه السلام قبل از قیامت نزول خواهد کرد.(۴)

۳ - و نیز می فرماید: « وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْکِتابِ إِلاَّ لَیُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَیَوْمَ الْقِیامَهِ یَکُونُ عَلَیْهِمْ شَهِیداً»(۵)؛ «و هیچ یک از اهل کتاب نیست مگر این که پیش از مرگش به او (حضرت مسیح علیه السلام) ایمان می آورد، و روز قیامت بر آن ها گواه خواهد بود».

ص:۴۹

۱- ۸۴. سوره آل عمران، آیه ۴۶.

۲- ۸۵. جامع البیان، ج ۳، ص ۳۷۱.

۳- ۸۶. سوره مائده، آیه ۱۱۰.

۴- ۸۷. تفسیر جلالین، ص ۱۲۶.

۵- ۸۸. سوره نساء، آیه ۱۵۹.

معنای آیه این است: هیچ یک از اهل کتاب نیست جز آنکه به عیسی ایمان خواهد آورد و این مسأله هنگام نزول آن حضرت در آخرالزمان است.

ابی هریره از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل کرده که فرمود:«قسم به کسی که جانم به دست اوست نزدیک است که در بین شما فرزند مریم به عنوان حَکَم عدل فرود آید، آن گاه صلیب را می شکند و خوک را می کشد و وضع جزیه می کند و به حدّی مال زیاد پخش می کند که هیچ کس آن را قبول نمی کند، تا این که یک سجده بهتر از دنیا و آنچه در آن است می باشد. سپس ابوهریره گفت: اگر خواستید بخوانید: « وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتابِ إِلاَّ لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ».(۱)

۴ - و نیز می فرماید: « وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِلسّاعَةِ فَلا تَمْتَرُنَّ بِها»؛(۲) «و او (مسیح) سبب آگاهی در روز قیامت است، زیرا نزول عیسی گواه نزدیکی رستاخیز است) هرگز در آن تردید نکنید...».

ابن حبّان در صحیح خود عنوانی را با این تعبیر آورده است: «ذکر البیان بانّ نزول عیسی من اعلام للساعه»، ذکر بیان این که نزول عیسی از نشانه های قیامت است. آن گاه به سند خود از ابن عباس نقل کرده که پیامبرصلی الله علیه وآله درباره آیه «وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِلسّاعَةِ» فرمود: مقصود به آن نزول عیسی بن مریم قبل از روز قیامت است.(۳)

ابوحیان می گوید: «ظاهر این است که ضمیر در « و انّه لعلم للساعه» به

۱- ۸۹. صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۴۳، صحیح مسلم، ج ۱، ص ۹۳.

۲- ۹۰. سوره زخرف، آیه ۶۱.

۳- ۹۱. صحیح ابن حبّان، ج ۱۵، ص ۲۲۸.

عیسی بازمی گردد؛ زیرا ظاهر در ضمائر سابق آن است که همگی به او باز می گردد».(۱)

ج - روایات

بخاری به سند خود از ابی هریره نقل کرده که پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود: «چگونه است شما را هنگامی که فرزند مریم در میان شما فرود آمده و حال آن که امام شما از بین شما است».(۲)

ابو سعید خدری از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل کرده که فرمود: «از ماست کسی که عیسی بن مریم پشت سر او نماز بجای می آورد».(۳)

عمران بن حصین از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل کرده که فرمود: «همیشه طائفه ای از امت من بر حق بوده و بر دشمنان خود غالبند تا آنکه امر خداوند تبارك و تعالی فرا رسد.و در آن هنگام است که عیسی بن مریم فرود آید».(۴)

شیخ صدوق ره به سندش از محمدبن مسلم ثقفی نقل کرده که گفت:از امام ابوجعفر محمدبن علی علیه السلام شنیدم که فرمود: «القائم منّا منصور بالرعب... و ینزل روح اللّه عیسی بن مریم فیصلّی خلفه»،(۵) «قائم از ما به ترس یاری شده... و روح خدا عیسی بن مریم فرود می آید و در پشت سر او نماز می گزارد».

در روایات به محلّ فرود حضرت مسیح علیه السلام نیز اشاره شده است:

طبرانی به سندش از اوس بن اوس ثقفی نقل کرده که رسول خداصلی الله علیه وآله

۱- ۹۲. البحرالمحیط، ج ۹، ص ۳۸۶.

۲- ۹۳. صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۴۳، صحیح مسلم، ج ۱، ص ۹۴.

۳- ۹۴. کنزالعمال، ج ۱۴، ص ۲۶۶، ح ۳۸۶۷۳.

۴- ۹۵. مسنداحمد، ج ۴، ص ۴۲۹.

۵- ۹۶. کمال الدین، ص ۳۳۰، ح ۱۶.

فرمود: «عیسی بن مریم کنار مناره سفید در شرق دمشق فرود خواهدآمد».(۱) نووی در شرح صحیح مسلم می گوید:«و مناره الآن در شرق دمشق موجود است و این از فضائل دمشق به حساب می آید».(۲)

منظور از «فرزند انسان» کیست؟

تعبیر به «فرزند انسان» بر زبان حضرت عیسی علیه السلام - بنابر نقل اناجیل - فراوان است. و در این که مقصود از آن کیست، آیا همان مسیح است یا شخص دیگری، در آن اختلاف است. قدمای مسیحیت معتقد بودند که مقصود ازآن خود حضرت مسیح علیه السلام است. ولی به نظر می رسد که با ملاحظه موارد مختلف از این تعبیر در اناجیل، مقصود از «فرزند انسان» شخص دیگری باشد. همان شخصی که به دنبال مجد و عظمت مسیح علیه السلام است. لذا در انجیل یوحنّا از حضرت عیسی نقل کرده که فرمود:«من به دنبال مجد و عظمت خود نیستم، بلکه در آنجا کسی است که عظمت مرا طلب کرده و حکم خواهد کرد».(۳)

از این عبارت استفاده می شود که فرزند انسان که در تعبیرات حضرت مسیح علیه السلام به آن اشاره شده و از او نیز تمجید شده است کسی غیر از حضرت مسیح علیه السلام است.

در انجیل متّی آمده است: «و چون یسوع به نواحی قیصریه رسید از شاگردانش سؤال کرد: در گفتار مردم «فرزند انسان» چه کسی است؟ آنان

۱- ۹۷. المعجم الکبیر، ج ۱، ص ۲۱۷، ح ۵۹، و ج ۱۹، ص ۱۹۶.
۲- ۹۸. شرح صحیح مسلم، ج ۱۸، ص ۶۷.
۳- ۹۹. انجیل یوحنّا،اصحاح ۸، ص ۳۱۷، رقم ۵۰.

گفتند: برخی می گویند: او یوحنّای معدان است. و برخی دیگر او را همان ایلیا می دانند. و عده ای دیگر او را ارمیا یا یکی از انبیا می دانند. حضرت مسیح علیه السلام روبه شاگردان کرده و فرمود:من در نظر شما چه کسی هستم؟ پطرس جواب داد: تو مسیح پسر خدای حیّ می باشی. آن گاه حضرت فرمود: به حقّ بر شما می گویم: از میان حاضرین در اینجا کسانی هستند که طعم مرگ را نمی چشند تا فرزند انسان را مشاهده کنند که در ملکوتش می آید».(۱)

از این عبارت استفاده می شود که «فرزند انسان» کسی غیر از مسیح است.

و چون حضرت مسیح علیه السلام از ناحیه کاهنان یهود دستگیر شد و محکمه قضاوت برای او برپا گشت، بزرگ کاهنان از او سؤال کرد: «آیا تو مسیح پسر مبارک هستی؟ یسوع فرمود: من همانم، و در آینده «فرزند انسان» را خواهید دید که در طرف راست قدیر (خدای عزوجل) نشسته و در میان ابرها می آید».(۲)

با این عبارات انسان اطمینان پیدا می کند که «فرزند انسان» شخصی غیر از مسیح علیه السلام است و او فردی غیر از امام مهدی علیه السلام نیست.

لذا در انجیل متّی آمده است:« و همان گونه که برق از طرف آسمان مشرق خارج می شود و تا مغرب درخشندگی دارد، همچنین است آمدن فرزند انسان».(۳)

و نیز آمده است:«به همین جهت شما آماده باشید؛ زیرا در ساعتی که توقع آن را ندارید «فرزند انسان» خواهدآمد».(۴)

۱- ۱۰۰. انجیل متّی، اصحاح ۱۶، ص ۸۲ - ۸۴، رقم ۱۳ - ۲۸.
۲- ۱۰۱. انجیل مرقس، ۱۴ / ۱۷۳ / ۶۱ - ۶۲.
۳- ۱۰۲. انجیل متّی، اصحاح ۲۴، ص ۱۰۴، رقم ۲۷.
۴- ۱۰۳. همان اصحاح ۲۴، ص ۱۰۵، رقم ۴۴.

و در انجیل لوقا آمده است:«باید کمرهای شما محکم بسته شده، و چراغ های شما روشن باشدو شما همانند افرادی باشید که به انتظار بازگشت بزرگشان از عروسی است تا چون بیاید و درب را بکوبد همان لحظه درب را باز نمایید. خوشا به حال آن خدمت کارانی که هرگاه بزرگشان آمد آنان را بیدار ببیند... پس شما نیز آماده باشید؛ زیرا در ساعتی که توقّع ندارید فرزند انسان می آید».(۱)

در روایات اسلامی نیز به این موضوع اشاره شده است.

شیخ صدوق رحمه الله به سندش از امام رضاعلیه السلام از پدرانش علیهم السلام از پیامبرصلی الله علیه وآله نقل کرده که به او عرض شد: ای رسول خدا! چه وقتی قائم از ذریّه شما خروج خواهد کرد؟ حضرت فرمود: «مثله مثل الساعه لایجلّیها لوقتها إلّا هو ثقلت فی السموات و الأرض لایأتیکم الّا بغته»(۲)؛ «مثل او همانند قیامت است به جز او وقتش را آشکار نمی کند. در آسمان ها و زمین سنگین است نمی آید شما را مگر ناگهانی».

ظهور منجی در آخرالزمان

از اناجیل استفاده می شود که وقت ظهور منجی و به تعبیر دیگر وقت حدوث ملکوت الهی و آسمانی در روی زمین آخرالزمان است، بعد از آنکه بشریت مهلت لازم را برای رشد و درک و تکامل به سر آورده است.

ص:۵۴

۱- ۱۰۴. انجیل لوقا، اصحاح ۱۲، ص ۲۳۸، رقم ۳۵ - ۴۰.
۲- ۱۰۵. کمال الدین، ص ۳۷۳، ح ۶.

حضرت مسیح علیه السلام درباره مقدمات قیام ملکوت الهی می فرماید: «و زود است که خبر جنگ ها و شایعه های آن را بشنوید، مبادا از آن ها فزع نمایید، زیرا چاره ای جز تحقق آن ها نیست، ولی در آن هنگام پایان تاریخ نیست».(۱)

و نیز فرمود: «آن که تا نهایت و پایان تاریخ باقی می ماند او خلاصی دهنده است».(۲)

این مطلب نیز مطابق آن چیزی است که در مصادر ما از پیامبرصلی الله علیه وآله رسیده است که وقت ظهور حضرت مهدی علیه السلام و برپایی دولتش را در آخرالزمان معرفی کرده است.

پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود: «المهدی یخرج فی آخرالزمان»(۳)؛ «مهدی در آخرالزمان خروج خواهدکرد».

جهانی بودن دولت منجی

از اناجیل استفاده می شود که دولت و حکومت منجی و موعود الهی، جهانی است و همه امّت ها را شامل می شود.

حضرت مسیح علیه السلام بعد از آنکه فتنه ها و بلاهایی که بشریّت قبل از قیام ملکوت الهی به آن ها مبتلا می شود را ذکر می کند، آن گاه به جهانی بودن این بشارت اشاره کرده و می فرماید: «و واجب است که قبل از تحقق آن این بشارت به جمیع امّت ها اعلان شود».(۴)

۱- ۱۰۶. انجیل یوحنّا، اصحاح ۲۴، ص ۱۰۲، رقم ۶.

۲- ۱۰۷. انجیل متّی، اصحاح ۲۴، ص ۱۰۳، رقم ۱۳.

۳- ۱۰۸. غیبت طوسی، ص ۱۷۸.

۴- ۱۰۹. انجیل مرقس، اصحاح ۱۳، ص ۱۶۶، رقم ۱۰.

و نیز از او نقل شده که فرمود: «و در آینده دور، مردم از شرق و غرب و شمال و جنوب می آیند و بر سر سفره در ملکوت خدا می نشینند».(۱)

و این، همان مطلبی است که در روایات اسلامی نیز به آن اشاره شده است.

از امام باقرعلیه السلام درباره توسعه حکومت حضرت مهدی علیه السلام چنین رسیده که فرمود: «...ویبلغ سلطانه المشرق و المغرب، و یظهراللَّه عزوجلّ به دینه و لو کره المشرکون...»،(۲) «و حکومت او مشرق و مغرب عالم را فراخواهدگرفت، و خداوند عزوجل به توسط او دینش را ظاهر خواهدکرد گرچه مشرکان کراهت داشته باشند».

صدوق ره به سندش از پیامبرصلی الله علیه وآله نقل کرده که فرمود:«... و لأطهرنّ الأرض بآخرهم من اعدائی و لأمکّنه مشارق الارض و مغاربها... حتّی یعلن دعوتی و یجمع الخلق علی توحیدی»،(۳) «.. و به طور حتم زمین را به توسط آخرین حجّت، از دشمنانم پاك خواهم کرد، و به طور حتم مشرق ها و مغرب های زمین را در اختیار او قرار خواهم داد...تا دعوت مرا علنی کرده و خلق را بر توحید من جمع نماید».

ابوداوود به سندش از ابی هریره نقل کرده که پیامبر در حدیثی فرمود: «ویهلك اللَّه فی زمانه الملل کلّها إلّا الاسلام»؛(۴) «و خداوند در زمان او تمام ملت ها را به جز اسلام هلاك می کند».

۱- ۱۱۰. انجیل لوقا، اصحاح ۱۳، ص ۲۴۲، رقم ۲۹.

۲- ۱۱۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۱، ح ۲۴.

۳- ۱۱۲. اکمال الدین، ص ۲۵۶، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۲، ح ۵.

۴- ۱۱۳. سنن ابی داود، ج ۲، ص ۳۱۹، ح ۴۳۲۴، مسنداحمد، ج ۲، ص ۴۰۶.

اوصاف شرکت کنندگان در حکومت عدل جهانی

با مراجعه به اناجیل پی می بریم افرادی که دارای صفات ویژه و خاصی هستند می توانند در ملکوت الهی و حکومت عدل توحیدی مشارکت داشته باشند.اینک به برخی از این صفات اشاره می کنیم:

۱ - اطاعت

در انجیل مرقس آمده است:«به حق بر شما می گویم: هرکس که ملکوت خدا را همانند طفل قبول نکند داخل در آن نمی شود».(۱)

و در انجیل متّی آمده است:«به حق به شما می گویم:اگر بر نگردید و همانند اطفال نشوید داخل ملکوت آسمان ها نخواهید شد».(۲)

می دانیم که طفل ضرب المثل در اطاعت و گوش فرا دادن است.

۲ - صدق در ایمان

حضرت مسیح به شاگردان خود می فرماید:«من به شما می گویم: اگر نیکی شما بر نیکی کاتبان و فریسیان زیاده نگردد داخل ملکوت آسمان ها نخواهید شد».(۳)

کاتبان و فریسیان همان علمای یهود بودند که متصدّی وضع دینی مردم در بنی اسرائیل آن زمان به شمار می آمدند و صفت ریا و دغلکاری بر آنان غلبه داشت و بدون این که از دین و شریعت اطلاعی داشته باشند به آن نسبت های بی ربط می دادند.

۳ - عمل به احکام

۱- ۱۱۴. انجیل مرقس، اصحاح ۱۰، ص ۱۵۷، رقم ۱۵.

۲- ۱۱۵. انجیل متّی، اصحاح ۱۸، ص ۸۷، رقم ۳.

۳- ۱۱۶. انجیل متّی، اصحاح ۵، ص ۴۸، رقم ۲۰.

حضرت مسیح علیه السلام به شاگردان خود فرمود: «هرکس که برای من می گوید: یا رب، یا رب، داخل ملکوت آسمان ها نخواهدشد، بلکه کسی در آن داخل می شود که به خواست پدرم که در آسمان ها است عمل می کند».(۱)

۴ – استضعاف

حضرت مسیح علیه السلام به شاگردان خود فرمود: «خوشا به حال شما ای فقیران! زیرا بر شما است ملکوت خدا، خوشا به حال شما ای گرسنگان در این زمان که در آینده سیر خواهید شد، خوشا به حال شما ای گریه کنندگان که در آینده خندان خواهید بود».(۲)

۵ – تقوا

حضرت مسیح علیه السلام به شاگردان خود فرمود:« و مثل ملکوت آسمان ها همانند شبکه و توری است که در دریا افکنده شده و از هر جنس در خود جای داده است. و چون پر می شود صیّادان آن را به کنار شطّ آورده و از آب بیرون می آورند. آن گاه نشسته و خوب را در تشتی قرار داده و بد را رها می سازند. این چنین خواهدبود پایان جهان؛ زیرا ملائکه می آیند و بدان را از خوبان جدا می کنند و در تنور آتش می اندازند...».(۳)

شبیه این اوصاف نیز در روایات اسلامی به آن اشاره شده است:

مجلسی ره به سند خود از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: «ورجال کأنّ قلوبهم زبر الحدید لایشوبها شکٌّ فی ذات اللّه، اشدّ من الحجر، لو

۱- ۱۱۷. همان، اصحاح ۷، ص ۵۶، رقم ۲۱.

۲- ۱۱۸. انجیل لوقا، اصحاح ۶، ص ۲۰، رقم ۲۱.

۳- ۱۱۹. انجیل متّی، اصحاح ۱۳ / ۷۵ و ۷۶ / ۴۷ / – ۵۰.

حملوا علی الجبال لأزالوها... رجال لاینامون اللیل، لهم دویّ فی صلاتهم کدویّ النحل، یبیتون قیاماً علی اطرافهم، و یصبحون علی خیولهم، رهبان باللیل، لیوث بالنهار، هم اطوع له من الأمَه لسیّدها کالمصابیح، کأنّ قلوبهم القنادیل، و هم من خشیه اللّه مشفقون. یدعون بالشهاده و یتمنّون ان یقتلوا فی سبیل اللّه...»،(۱) «و مردانی که گویا قلب هایشان تکّه های آهن است، هرگز شکّی در ذات خدا در آنان وارد نمی شود. محکم تر از سنگ است. اگر بر کوه ها سوار شوند آن ها را از جا می کنند... مردانی که شب را نمی خوابند، برای آنان در نمازشان زمزمه هایی همانند زمزمه زنبور است. شب را در حال قیام به پهلوهای خود بیتوته می کنند و صبح هنگام بر اسبان خود سوارند. آنان راهبان در شب و شیران در روزند. آنان مطیع تر نسبت به مولای خود از کنیزان نسبت به مولایشان می باشند. همانند چراغ ها. گویا که قلب هایشان همانند قندیل است. و آنان از خوف خدا خاشع اند. از خدا تقاضای شهادت می کنند و آرزو دارند که در راه خدا به شهادت برسند...».

حکومت عدل جهانی، آرزوی امّت ها

ملکوت خداوند و حکومت الهی در روی زمین، و به تعبیری دیگر حکومت عدل جهانی توحیدی آرزوی هر انسان و مجتمع بشری است، و لذا انبیای الهی از آن جمله حضرت مسیح علیه السلام به آن اشاره کرده اند:

حضرت مسیح علیه السلام می فرماید:«مثل ملکوت آسمان ها همانند گنجی است

ص:۵۹

۱- ۱۲۰. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷، ح ۸۲.

که در مزرعه ای مدفون شده و شخصی آن را می یابد، و سپس آن را دوباره مدفون می کند. آن گاه از شدت خوشحالی اش مدتی می گذرد، بعد تمام ملک خود را می فروشد و با آن آن مزرعه را می خرد...»(۱)

و نیز از او نقل شده که فرمود: «مثل ملکوت آسمان ها همانند تاجری است که به دنبال لؤلؤ گران بها می گردد، چون لؤلؤی نفیس می یابد می رود و تمام اموال و املاک خود را می فروشد و آن را می خرد».(۲)

ایمان آوردن مسیح علیه السلام به نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله

از روایات اسلامی استفاده می شود که حضرت مسیح علیه السلام بعد از فرود آمدن از آسمان به نبوّت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله ایمان آورده و مطابق دستورات او حکم خواهد نمود.

سمره از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل کرده که فرمود:«عیسی بن مریم فرود خواهد آمد در حالی که تصدیق کننده محمّد و بر ملّت او خواهد بود...».(۳)

خطّابی در «معالم السنن» هنگام ذکر حدیثی از پیامبرصلی الله علیه وآله که عیسی خوک را می کشد می گوید: «این حدیث دلیل بر وجوب کشتن خوک ها است و نیز دلیل بر این است که عین خوک نجس است، و این که عیسی خوک را مطابق شریعت پیامبر ما محمّدصلی الله علیه وآله خواهد کشت؛ زیرا نزول او در آخرالزمان بوده

۱- ۱۲۱. انجیل متّی، اصحاح ۱۳، ص ۷۵، رقم ۴۴.

۲- ۱۲۲. همان، اصحاح ۷۵، ص ۴۵، رقم ۴۶.

۳- ۱۲۳. مسنداحمد، ج ۵، ص ۱۳، المعجم الکبیر، ج ۷، ص ۲۲۱.

و شریعت اسلامی باقی است».(۱)

عبدالوهاب عبدالسلام می گوید: «عیسی از آسمان به امر خدا فرود می آید در حالی که اوصاف نبوت در او پدیدار است، جز آن که تابع شریعت محمّدصلی الله علیه وآله و حاکمی از حاکمان این امت و تجدید کننده امر دین این امت خواهدبود؛ زیرا محمدصلی الله علیه وآله خاتم انبیا و شریعت او خاتم شرایع است. و خداوند سبحان عهد و میثاق را از تمام انبیا گرفته که از محمدصلی الله علیه وآله پیروی کرده و او را در صورتی که هنگام بعثت او زنده بودند یاری کنند...».(۲)

رهبری حضرت مهدی علیه السلام و همکاری مسیح علیه السلام

گرچه تمام امّت ها از جمله مسلمانان و مسیحیان معتقد به ظهور منجی جهانی در پایان تاریخ می باشند ولی در این که رهبری این قیام و نهضت جهانی از آنِ چه کسی است اختلاف دارند:

۱ – برخی معتقدند که مهدی و مسیح دو لقب برای یک شخص است. آنان می گویند: رهبر حکومت عدل جهانی توحیدی از آنجا که یک نفر است، لذا او کسی است که در اسلام او را مهدی نامیدند و یهود و نصارا او را مسیح می نامند و دیگران نیز هرکدام نامی را بر او گذاشته اند.

۲ – احتمال دیگر این که بگوییم منجی جهان همان مسیح عیسی فرزند مریم است که از او به مهدی نیز تعبیر شده است.

۳ – احتمال سوم آن است که بگوییم: منجی جهان کسی غیر از حضرت

ص:۶۱

۱– ۱۲۴. معالم السنن، ج ۴، ص ۳۲۱، ح ۱۷۰۳.

۲– ۱۲۵. المسیح المنتظر و نهایه العالم، عبدالوهّاب عبدالسلام، ص ۲۴۰.

مهـدی علیه السـلام از ذریه پیامبرصـلی الله علیه وآله نیست و حضـرت عیسـی بـا او در این امر مهمّ همکـاری کرده و تشـریک مساعی می کند.

نقد احتمال اول

این احتمال در ظاهر چندان صـحیح به نظر نمی رسد؛ زیرا همان گونه که قبلاً هم اشاره شدبا مراجعه به اناجیل پی می بریم که شخصی به نام «فرزند انسان» تأسیس حکومت جهانی کرده و حضرت مسیح علیه السلام نیز در برپایی آن سهیم شده و دخالت خواهـد نمود. یعنی در حقیقت دو شخصـیت در این مـاجرا دخـالت دارنـد، ولی در طول یکـدیگر، به این معنا که رهبری برای حضرت مهدی علیه السلام است و حضرت عیسی علیه السلام نیز در این زمینه او را مساعدت خواهد کرد.

نقد احتمال دوم

احتمال دوم این بود که معتقـد شویم منجی جهانی عیسـی بن مریم است و اگر در روایات اسـلامی از او به مهدی تعبیر شده به عنوان لقب حضرت مسیح است.

برای این احتمال نیز مؤیّداتی را ذکر کرده اند از قبیل:

۱ – لفظ مسیح که از القاب حضرت عیسی علیه السلام به شمار می آید به معنای نجات بخشی است.

۲ – در انجیـل متّی درباره حضـرت مسـیح علیه السـلام آمـده که او طول عمر داشـته و در آخرالزمان ظهور خواهـدکرد. و این چیزی است که با روایات اسلامی سازگاری دارد.

۳ – در برخی از روایات اسلامی تصریح شده که مهدی همان عیسی بن مریم است.

ص:۶۲

ولی این احتمال با هر سه مؤیّداتش صحیح به نظر نمی رسد؛ زیرا:

اولاً: نامگـذاری حضـرت عیسـی علیه السـلام به «مسـیح» دلالت بر اسـتقلال او در امر حکومت عدل جهانی ندارد. لذا در لقب دادن حضرت عیسی علیه السلام به «مسیح» کافی است که از آن جهت باشد که او در این امر مهمّ مشارکت دارد.

ثانیاً: نام «مسـیح» بر حضـرت عیسی علیه السلام بعد از عروج او به آسمان ها از ناحیه صاحبان اناجیل گذاشته شد و قرآن نیز به جهت شهرت موجود در آن عصر از این لقب برای حضرت عیسی علیه السلام استفاده کرده است.

ثالثاً: این که عمر حضـرت مسـیح علیه السـلام طولانی شده و در آخرالزمان ظهور خواهد کرد دلالت بر اسـتقلال او در تأسیس حکومت عدل جهانی توحیدی ندارد بلکه با تشریک مساعی او با حضرت مهدی علیه السلام سازگاری است.

رابعاً: در توضـیح حـدیث «لامهـدیّ الّـا عیسـی بن مریم» می گوییم: این حـدیث را ابن مـاجه به سـندش از انس نقل کرده که پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود: «ولا مهدیّ إلّا عیسی بن مریم»؛(۱) «و مهدی جز عیسی بن مریم نیست».

در جواب از این حدیث می گویم:

۱ - بسیاری از صحابه که احادیث مهدویت را از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل کرده اند مهدیّ را از ذرّیه رسول خداصلی الله علیه وآله می دانند.

۲ - این حدیث مورد اعراض علمای حدیث و متکلّمین بوده و هیچ کسی به آن استناد نکرده است.

۳ - خود ابن ماجه در سنن خود حدیث «المهدیّ حقّ وهو من ولد فاطمه»؛

۱- ۱۲۶. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۴۰، ح ۴۰۳۹.

«مهدی حقّ است و او از اولاد فاطمه است» را نیز نقل کرده است.(۱)

۴ - ابن قیّم جوزیه این حدیث را در «المنار المنیف» نقل کرده و به طور مبسوط آن را تضعیف نموده است.(۲) حاکم نیشابوری نیز که این حدیث را نقل کرده از روی تعجب بوده نه آنکه به جهت مطابقتش با شروط شیخین آن را نقل کرده باشد.(۳)

ذهبی می گوید: «... حدیث (و لا مهدی الاّ عیسی بن مریم) خبری است منکر که ابن ماجه آن را نقل کرده است».(۴)

قرطبی می گوید: «حدیث - و لا مهدی الاّ عیسی بن مریم - معارض با احادیث این باب است. آن گاه می گوید: احادیثی که نصّ بر خروج مهدی از عترت پیامبر و از اولاد فاطمه علیهم السلام است ثابت بوده و اصحّ از این حدیث است، پس حکم، مطابق احادیث خروج مهدی از اولاد فاطمه است نه احادیث دیگر».(۵)

۵ - این حدیث را طبرانی نیز با سند خود از ابی امامه نقل کرده ولی در متن آن جمله (و لا مهدی الاّ عیسی بن مریم) نیامده است.(۶)

۶ - روایات خروج مهدی از اولاد فاطمه علیهم السلام متواتر است، و همان گونه که در جای خود اشاره شد عده زیادی به تواتر آن تصریح کرده اند، ولی حدیث (و لامهدی الاّـ عیسی بن مریم) بر فرض صحّت سند، خبر واحد است، و هنگام تعارض، خبر متواتر مقدم می باشد. و نیز مشهور بین مسلمین در

۱- ۱۲۷. همان، ص ۱۳۶۸، ح ۴۰۸۶.

۲- ۱۲۸. المنار المنیف، ص ۱۳۰، ح ۳۲۵.

۳- ۱۲۹. مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۴۴۱.

۴- ۱۳۰. تهذیب التهذیب، ج ۹، ص ۱۲۵، رقم ۲۰۲، ترجمه محمّد بن خالد جندی.

۵- ۱۳۱. التذکره، قرطبی، ج ۲، ص ۷۰۱.

۶- ۱۳۲. المعجم الکبیر، ج ۸، ص ۲۱۴، ح ۷۷۵۷.

طول تاریخ اسلام، ظهور شخصی از اهل بیت رسول خداصلی الله علیه وآله و از اولاد فاطمه علیهم السلام است، این شهرت می تواند مرجّح احادیث مهدویت اسلامی باشد.

ابوالفیض غماری نیز درصدد پاسخ به حدیث فوق برآمده و با هشت اشکال به آن پاسخ گفته است.(۱)

قوّت احتمال سوم

از بین این سه احتمال، احتمال سوّم قوی تر به نظر می رسد، و آن این که بگوییم: رهبری حکومت عدل جهانی توحیدی برای حضرت مهدی علیه السلام است، گرچه حضرت عیسی علیه السلام نیز در این راستا همکاری گسترده ای با آن حضرت دارد. این احتمال مؤیّداتی نیز دارد:

۱ - حضرت مهدی علیه السلام وارث شرعی طرح کامل برای حکومت عدل توحیدی است که رسول خدا محمد مصطفی صلی الله علیه وآله برای بشریّت به ارث گذاشته است.

۲ - مطابق برخی از روایات اسلامی، حضرت مسیح علیه السلام از این که امام جماعت را بعد از فرود آمدنش از آسمان برعهده می گیرد امتناع می کند، و امامت را به فردی از افراد امت اسلامی واگذار می کند، این خود دلیل بر آن است که رهبری نهضت جهانی با حضرت مسیح علیه السلام نیست.

۳ - خلاف حکمت الهی است دینی که نسخ شده به توسّط رهبرش دوباره اجرا شود، در حالی که رهبری از رهبران دین زنده و ناسخ وجود داشته باشد.

۴ - مطابق آنچه که قبلاً اشاره شد از اناجیل استفاده می شود که حضرت

۱- ۱۳۳. ابراز الوهم المکنون، ص ۵۳۸.

عیسـی علیه السـلام به کمک «فرزند انسان» می آید و در ملکوت خدا که به دست او برپا خواهدشد سـهیم می شود و او کسی غیر از حضرت مهدی علیه السلام نیست.

سلسله کتب چاپ شده از مؤلف پیرامون مهدویت

۱ - تولد حضرت مهدی علیه السلام

۲ - امامت در سنین کودکی

۳ - امامت و غیبت

۴ - غیبت صغری

۵ - غیبت کبری

۶ - وظایف ما در عصر غیبت

۷ - اماکن مقدسه مرتبط با حضرت مهدی علیه السلام

۸ - بررسی دعای ندبه

۹ - دکترین مهدویت تنها راه نجات بشر

۱۰ - دفاع از مهدویت

۱۱ - فلسفه حکومت عدل جهانی

۱۲ - نظریه پردازی درباره آینده جهان

۱۳ - منجی از دیدگاه ادیان

۱۴ - وجود امام مهدی علیه السلام از منظر قرآن و حدیث

۱۵ - وجود امام مهدی علیه السلام در پرتو عقل

۱۶ - مهدویت و جهانی سازی

۱۷ - قرآن و ظهور حضرت مهدی علیه السلام

۱۸ - علایم ظهور

۱۹ - هنگامه ظهور

۲۰ – حکومت حضرت مهدی علیه السلام در عصر ظهور

ص:۶۷

فهرست منشورات مسجد مقدّس جمکران

۱ - قرآن کریم/چهار رنگ - گلاسه رحلی خط نیریزی / الهی قمشه ای

۲ - قرآن کریم/نیم جیبی (کیفی) خط عثمان طه / الهی قمشه ای

۳ - قرآن کریم/وزیری (بدون ترجمه) خط عثمان طه

۴ - قرآن کریم/وزیری (ترجمه زیر، ترجمه مقابل) خط عثمان طه / الهی قمشه ای

۵ - قرآن کریم/(وزیری، جیبی، نیم جیبی) خط نیریزی / الهی قمشه ای

۶ - کلیات مفاتیح الجنان/عربی انتشارات مسجد مقدّس جمکران

۷ - کلیات مفاتیح الجنان/(وزیری، جیبی، نیم جیبی) خط افشاری / الهی قمشه ای

۸ - منتخب مفاتیح الجنان/ (جیبی، نیم جیبی) خط افشاری / الهی قمشه ای

۹ - منتخب مفاتیح الجنان/ جیبی، نیم جیبی) خط خاتمی / الهی قمشه ای

۱۰ - نهج البلاغه/(وزیری، جیبی) سید رضی رحمه الله/محمد دشتی

۱۱ - صحیفه سجادیه ویرایش حسین وزیری/الهی قمشه ای

۱۲ - ادعیه و زیارات امام زمان علیه السلام واحد پژوهش مسجد مقدّس جمکران

۱۳ - آئینه اسرار حسین کریمی قمی

۱۴ - آثار گناه در زندگی و راه جبران علی اکبر صمدی

۱۵ - آخرین پناه محمود ترحمی

۱۶ - آخرین خورشید پیدا واحد تحقیقات

۱۷ - آشنایی با چهارده معصوم (۱و۲)/شعر و رنگ آمیزی سیّد حمید رضا موسوی

۱۸ - آقا شیخ مرتضی زاهد محمد حسن سیف اللهی

۱۹ - آیین انتظار (مختصر مکیال المکارم) واحد پژوهش

۲۰ – ارتباط با خدا واحد تحقیقات

۲۱ – از زلال ولایت واحد تحقیقات

۲۲ – اسلام شناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۲۳ – امامت، غیبت، ظهور واحد پژوهش

۲۴ – امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام علم الهدی / واحد تحقیقات

۲۵ – امامت و ولایت در امالی شیخ صدوق سیّد محمّد حسین کمالی

۲۶ – امام رضا، امام مهدی و حضرت معصومه علیهم السلام(روسی) آلمات آبسالیکوف

۲۷ – امام رضاعلیه السلام در رزمگاه ادیان سهراب علوی

ص:۶۸

۲۸ – امام شناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۲۹ – انتظار بهار و باران واحد تحقیقات

۳۰ – انتظار و انسان معاصر عزیز اللّٰه حیدری

۳۱ – اهّمیت اذان و اقامه محمد محمدی اشتهاردی

۳۲ – با اولین امام در آخرین پیام حسین ایرانی

۳۳ – بامداد بشریت محمد جواد مروّجی طبسی

۳۴ – بهتر از بهار/کودک شمسی (فاطمه) وفائی

۳۵ – پرچمدار نینوا محمد محمدی اشتهاردی

۳۶ – پرچم هدایت محمد رضا اکبری

۳۷ – پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و تروریسیم و خشنونت طلبی علی اصغر رضوانی

۳۸ – پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و جهاد و برده داری علی اصغر رضوانی

۳۹ – پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و حقوق اقلیت ها و ارتداد علی اصغر رضوانی

۴۰ – پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و حقوق زن علی اصغر رضوانی

۴۱ – پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و صلح طلبی علی اصغر رضوانی

۴۲ – تاریخ امیر المؤمنین علیه السلام / دو جلد شیخ عباس صفایی حائری

۴۳ – تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله/دو جلد شیخ عباس صفایی حائری

۴۴ – تاریخچه مسجد مقدس جمکران/(فارسی، عربی، اردو، انگلیسی) واحد تحقیقات

۴۵ – تاریخ سید الشهداءعلیه السلام شیخ عباس صفایی حائری

۴۶ – تجلیگاه صاحب الزمان علیه السلام سید جعفر میرعظیمی

۴۷ – تشرف یافتگان (چهار دفتر) میرزا حسین طبرسی نوری

۴۸ – جلوه های پنهانی امام عصرعلیه السلام حسین علی پور

۴۹ – چهارده گفتار ارتباط معنوی با حضرت مهدی علیه السلام حسین گنجی

۵۰ – چهل حدیث /امام مهدی علیه السلام در کلام امام علی علیه السلام سید صادق سیدنژاد

۵۱ – چهل حدیث برگزیده از پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله احمد سعیدی

۵۲ – حضرت مهدی علیه السلام فروغ تابان ولایت محمد محمدی اشتهاردی

۵۳ – حکمت های جاوید محمد حسین فهیم نیا

۵۴ – ختم سوره های یس و واقعه واحد پژوهش

۵۵ – خزائن الاشعار (مجموعه اشعار) عباس حسینی جوهری

۵۶ – خورشید غایب (مختصر نجم الثاقب) رضا استادی

۵۷ – خوشه های طلایی (مجموعه اشعار) محمد علی مجاهدی (پروانه)

۵۸ – دار السلام شیخ محمود عراقی میثمی

۵۹ – داستان هایی از امام زمان علیه السلام حسن ارشاد

۶۰ – داغ شقایق (مجموعه اشعار) علی مهدوی

۶۱ – در انتظار منجی (روسی) آلمات آبسالیکوف

۶۲ – در جستجوی نور صافی، سبحانی، کورانی

۶۳ – در کربلا چه گذشت؟ (ترجمه نفس المهموم) شیخ عباس قمی / کمره ای

۶۴ – دفاع از حریم امامت و ولایت(مختصر شب های پیشاور) کریم شنی

۶۵ – دلشده در حسرت دیدار دوست زهرا قزلقاشی

۶۶ – دین و آزادی محمّد حسین فهیم نیا

۶۷ – رجعت یا حیات دوباره احمد علی طاهری ورسی

۶۸ – رسول ترک محمد حسن سیف اللهی

۶۹ – روزنه هایی از عالم غیب سید محسن خرّازی

۷۰ – زیارت ناحیه مقدّسه واحد تحقیقات

۷۱ – سحاب رحمت عباس اسماعیلی یزدی

۷۲ – سخنرانی مراجع در مسجد جمکران واحد پژوهش مسجد مقدّس جمکران

۷۳ – سرود سرخ انار الهه بهشتی

۷۴ – سقّا خود تشنه دیدار طهورا حیدری

۷۵ – سلفی گری (وهابیت) و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۷۶ – سیاحت غرب آقا نجفی قوچانی

۷۷ – سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر عربی دکتر عبد اللهی

۷۸ – سیمای جهان در عصر امام زمان علیه السلام(دوجلدی) محمّد امینی گلستانی

۷۹ – سیمای مهدی موعودعلیه السلام در آئینه شعر فارسی محمد علی مجاهدی (پروانه)

۸۰ – شرح زیارت جامعه کبیره (ترجمه الشموس الطالعه) محمّد حسین نائیجی

۸۱ – شمس وراء السحاب/ عربی السیّد جمال محمّد صالح

۸۲ – صبح فرا می رسد مؤسسه فرهنگی تربیتی توحید

۸۳ – ظهور حضرت مهدی علیه السلام سید اسد اللّه هاشمی شهیدی

۸۴ – عاشورا تجلّی دوستی و دشمنی سید خلیل حسینی

۸۵ – عریضه نویسی سید صادق سیدنژاد

۸۶ – عطر سیب حامد حجّتی

۸۷ – عقد الدرر فی أخبار المنتظرعلیه السلام/عربی المقدس الشافعی

۸۸ – علی علیه السلام مروارید ولایت واحد تحقیقات

۸۹ – علی علیه السلام و پایان تاریخ سید مجید فلسفیان

ص:۷۰

۹۰ – غدیرخم (روسی، آذری لاتین) علی اصغر رضوانی

۹۱ – غدیرشناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۹۲ – فتنه وهابیت علی اصغر رضوانی

۹۳ – فدک ذوالفقار فاطمه علیها السلام سید محمد واحدی

۹۴ – فرهنگ اخلاق عباس اسماعیلی یزدی

۹۵ – فرهنگ تربیت عباس اسماعیلی یزدی

۹۶ – فرهنگ درمان طبیعی بیماری ها(پخش) حسن صدری

۹۷ – فوز اکبر محمد باقر فقیه ایمانی

۹۸ – فریادرس حسن محمودی

۹۹ – قصه های تربیتی محمّد رضا اکبری

۱۰۰ – کرامات المهدی علیه السلام واحد تحقیقات

۱۰۱ – کرامت های حضرت مهدی علیه السلام واحد تحقیقات

۱۰۲ – کمال الدین وتمام النعمه (دو جلد) شیخ صدوق رحمه الله/منصور پهلوان

۱۰۳ – کهکشان راه نیلی (مجموعه اشعار) حسن بیاتانی

۱۰۴ – گردی از رهگذر دوست (مجموعه اشعار) علی اصغر یونسیان (ملتجی)

۱۰۵ – گفتمان مهدویت آیت اللّه صافی گلپایگانی

۱۰۶ – گنجینه نور و برکت، ختم صلوات مرحوم حسینی اردکانی

۱۰۷ – مام فضیلت ها عباس اسماعیلی یزدی

۱۰۸ – مشکاه الانوار علّامه مجلسی رحمه الله

۱۰۹ – مفرد مذکر غائب علی مؤذنی

۱۱۰ - مکیال المکارم (دو جلد) موسوی اصفهانی/ حائری قزوینی

۱۱۱ - منازل الآخره، زندگی پس از مرگ شیخ عباس قمی رحمه الله

۱۱۲ - منجی موعود از منظر نهج البلاغه حسین ایرانی

۱۱۳ - منشور نینوا مجید حیدری فر

۱۱۴ - موعودشناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۱۱۵ - مهدی علیه السلام تجسّم امید و نجات عزیز اللَّه حیدری

۱۱۶ - مهدی منتظرعلیه السلام در اندیشه اسلامی العمیدی / محبوب القلوب

۱۱۷ - مهدی موعودعلیه السلام، ترجمه جلد ۱۳ بحار - دو جلد علّامه مجلسی رحمه الله/ارومیه ای

۱۱۸ - مهربان تر از مادر / نوجوان حسن محمودی

۱۱۹ - مهر بیکران محمد حسن شاه آبادی

۱۲۰ - میثاق منتظران (شرح زیارت آل یس) سید مهدی حائری قزوینی

ص:۷۱

۱۲۱ – ناپیدا ولی با ما / (فارسی ،ترکی استانبولی، انگلیسی، بنگالا) واحد تحقیقات

۱۲۲ – نجم الثاقب میرزا حسین نوری رحمه الله

۱۲۳ – نجم الثاقب(دوجلدی) میرزا حسین نوری رحمه الله

۱۲۴ – ندای ولایت بنیاد غدیر

۱۲۵ – نشانه های ظهور او محمد خادمی شیرازی

۱۲۶ – نشانه های یار و چکامه انتظار مهدی علیزاده

۱۲۷ – نگاهی به مسیحیت و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۱۲۸ – نماز شب واحد پژوهش مسجد مقدّس جمکران

۱۲۹ – نهج الکرامه گفته ها و نوشته های امام حسین علیه السلام محمّد رضا اکبری

۱۳۰ – و آن که دیرتر آمد الهه بهشتی

۱۳۱ – واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۱۳۲ – وظایف منتظران واحد تحقیقات

۱۳۳ – ویژگی های حضرت زینب علیها السلام سید نور الدین جزائری

۱۳۴ – هدیه احمدیه/(جیبی، نیم جیبی) میرزا احمد آشتیانی رحمه الله

۱۳۵ – همراه با مهدی منتظر مهدی فتلاوی/بیژن کرمی

۱۳۶ – یاد مهدی علیه السلام محمد خادمی شیرازی

۱۳۷ – یار غائب از نظر(مجموعه اشعار) محمد حجّتی

۱۳۸ – ینابیع الحکمه/عربی – پنج جلد عباس اسماعیلی یزدی

جهت تهیه و خرید کتاب های فوق، می توانید با نشانی:

قم – صندوق پستی ۶۱۷ ، انتشارات مسجد مقدّس جمکران مکاتبه و یا با شماره تلفن های ۷۲۵۳۷۰۰ ، ۷۲۵۳۳۴۰ – ۰۲۵۱

تماس حاصل نمایید.

کتاب های درخواستی بدون هزینه پستی برای شما ارسال می گردد.

سایر نمایندگی های فروش:

تهران: ۶۶۹۳۹۰۸۳ ، ۶۶۹۲۸۶۸۷ – ۰۲۱

یزد: ۶۲۴۶۴۸۹، ۲-۶۲۸۰۶۷۱ – ۰۳۵۱

فریدونکار: ۱۴ – ۵۶۶۴۲۱۲ – ۰۱۲۲

ص:۷۲

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹